کتاب نماز

خدای متعال فرموده است:

﴿ حَافِظُوْا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلاَةِالْوُسْطٰى، وَقُوْمُوْا لِلّٰهِ قَانِتِيْنَ - بر گزاردن نمازها، و نماز میانه (عصر)، پایبند باشید و برای خداوند فروتنانه (به عبادت) بایستید ﴾. (سورهٔ بقره - ۲۳۸)

و رسول خدا ﷺ فرموده است:

«اَرَأَيْتُمْ لَوْاَنَّ نَهْراً بِبَابِ اَحَدِكُمْ يَغْتَسِلُ فِيْهِ كُلَّ يَوْمٍ خَمْساً هَلْ يَبْقٰى مِنْ دَرَنِهِ شَيْءٌ؟ قَالُوْا لاَ يَبْقٰى مِنْ دَرَنِهِ شَيْءٌ، قَالَ فَذَالِكَ مَثَلُ صَلَوَاتِ الْخَمْسِ يَمْحُواللهُ بِهِنَّ الْخَطَايَا - چه فکر می‌کنید، اگر به در خانهٔ یکی از شما جویی باشد که در آن هرروز پنج بار غسل می‌کند، آیا چیزی از چرک و پلیدی در وجود آن باقی می‌ماند؟ اصحاب گفتند: نه، یارسول‌الله! چیزی از چرک و پلیدی آن باقی نمی ماند، مبارک فرمود: پس این است مَثَل نمازهای پنجگانه که خداوند به وسیلهٔ آنها گناهان را محو می‌نماید».

(به روایت بخاری و مسلم از ابی هریره (رض)

نماز بزرگترین عبادتهاست، زیرا بنده را به پروردگارش وصل می‌کند.

نماز شکرگزاری برای خدای متعال در برابر نعمتهای بیشمار آن است.

نماز (صلاة) در لغت: به معنای دعاء است.

و در اصطلاح شریعت: عبارت است از اقوال و افعالی که با تکبیر افتتاح وباسلام دادن ختم می‌شود، باشرائط مخصوصی.

انواع نماز

نماز به دو قسم تقسیم می‌شود:

۱ـ نماز مشتمل بر رکوع و سجده.

۲ـ نمازی که دارای رکوع و سجده نیست، و آن نماز جنازه می‌باشد.

نماز دارای رکوع و سجده برسه نوع تقسیم می‌شود.

۱ـ فرض ـ و آن عبارت است از نمازهای پنجگانهٔ همه روزه.

۲ـ واجب ـ و آن عبارت است از نماز وتر و نماز هردو عید، و قضاء آوردن نمازهای نافله‌ای که بعد از شروع فاسد گردیده‌اند، و دو رکعت نماز بعد از طواف.

۳ـ نفل ـ و آن عبارت است از نمازهای غیر از فرض و واجب.

شرطهای فرضیّت نماز

نماز برانسانی فرض نمی شود، مگر آنگاه که در وی سه شرط یکجا فراهم شده باشند.

۱ـ اسلام؛ پس نماز بر کافر فرض نیست.

۲ـ بلوغ؛ پس نماز برکودک فرض نیست.

۳ـ عقل؛ پس نماز بردیوانه فرض نیست.

برای پدران و مادران لازم است که فرزندان خویش را ـ آنگاه که به سن هفت سالگی رسیدند ـ به نماز دستور دهند، و آنگاه که به سن ده سالگی رسیدند، آنان را در برابر ترک نماز بادست بزنند، تااینکه بر اداء نمازها در اوقات آنها ـ پیش از آنکه برایشان فرض گردد ـ عادت کنند.

اوقات نماز

خدای متعال فرموده است: ﴿إِنَّ الصَّلٰوةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ كِتَاباً مَوْقُوْتاً ـ به تحقیق که نماز برمؤمنان فرض زمانداری است﴾.(سورهٔ نساء ـ ۱۰۳)

ورسول خدا ﷺ فرموده است:

«خَمْسُ صَلَوَاتٍ اِفْتَرَضَهُنَّ اللهُ تَعَالٰى، مَنْ اَحْسَنَ وُضُوْءَهُنَّ وَصَلاَّهُنَّ لِوَقْتِهِنَّ وَاَتَمَّ رُكُوْعَهُنَّ وَخُشُوْعَهُنَّ كَانَ لَهُ عَلَى اللهِ عَهْدٌ اَنْ يَغْفِرَ لَهُ، وَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَلَيْسَ لَهُ عَلَى اللهِ عَهْدٌ، اِنْ شَاءَ غَفَرَ لَهُ وَاِنْ شَاءَ عَذَّبَهُ ـ پنج نماز است که خدای متعال آنهارا فرض گردانیده است، کسی که نیک گرداند وضوء آنهارا و بگزارد آنهارا در وقت های آنها، و تمام گرداند رکوع و خشوع آنهارا، پس برای او برخدا عهدی است که برایش بیامرزد، و هرکس چنین نکند پس نیست برای او برخدا عهدی، اگر بخواهد برایش می‌آمرزد و اگر بخواهد عذابش می‌کند». (به روایت امام احمد)

خدای متعال برمسلمانان دریک شبانه روز پنج نماز را فرض گردانیده است

که این فرایض عبارت اند از :

۱ـ نماز صبح : و آن دو رکعت است .

و وقت آن از طلوع صبح صادق شروع و تا پیش از طلوع خورشید ادامه می‌یابد .

۲ـ نماز ظهر : و آن چهار رکعت است .

و وقت آن از هنگام زوال خورشید از میانهٔ آسمان شروع، و تا آنگاه که سایهٔ هرچیز ـ بجز سایهٔ اصلی آن که در هنگام زوال پدیدار می‌شود ـ دوچند آن گردد، ادامه دارد ـ در نزد امام ابوحنیفه ﷺ ـ و فتوا نیز برآن است . و در نزد متأخران از احناف برآن عمل می‌شود .

و وقت ظهر درنزد امام ابو یوسف ﷺ و امام محمد ﷺ تاآنگاه ادامه دارد که سایهٔ هر چیز همانند آن گردد . و امام طحاوی ﷺ این رأی را ترجیح داده است .

۳ـ نماز عصر : و آن چهار رکعت است . و وقت آن از بعد از انتهای وقت ظهر شروع، و تاغروب خورشید ادامه دارد[۱] .

نماز مغرب : و آن سه رکعت است .

و وقت آن از غروب خورشید شروع و تا غایب شدن شفق سرخرنگ ادامه دارد،[۲] و فتوا برآن است .

۱ـ یعنی آنگاه که سایهٔ هر چیز دوبرابر آن گردید، در نزد امام ابوحنیفه ﷺ، و آنگاه که سایهٔ هر چیز برابر آن گردید در نزد امام ابو یوسف ﷺ و امام محمد ﷺ .

۲ـ وقت مغرب باغایب شدن شفق سرخ رنگ به پایان می‌رسد در نزد دوامام (ابو یوسف و محمد رحمهماالله) ووقت مغرب تاغایب شدن سفیدی‌ای که بعد از سرخی می‌آید، امتداد پیدا می‌کند در نزد امام ابو حنیفه ﷺ .

۵ـ نماز عشاء: و آن چهار رکعت است.

و وقت آن از غایب شدن شفق شروع و تا طلوع صبح صادق ادامه دارد.

نماز وتر: و آن واجب است، و وقت آن وقت نماز عشاء می‌باشد، مگر اینکه بعد از نماز عشاء خوانده می‌شود، نه قبل از آن.

پس اگر کسی نماز وتر را قبل از نماز عشاء خواند، عود کردن نماز وتر بعد از نماز عشاء بروی واجب است.

فروعاتی که به اوقات نماز تعلق می‌گیرند

مستحب است إسْفَار[1] در نماز بامداد.

مستحب است تأخیر نماز ظهر در فصل تابستان.

مستحب است تعجیل نماز ظهر در فصل زمستان.

مستحب است تأخیر نماز ظهر در فصل زمستان؛ اگر چنانچه روز ابری باشد، تاآنکه بر زوال خورشید یقین حاصل شود.

مستحب است تأخیر نماز عصر، تا آنگاه که رنگ خورشید به زردی تغییر نکرده است.

مستحب است تعجیل نماز عصر در روز ابرآلود.

مستحب است تعجیل نماز مغرب.

۱ـ و آن عبارت است از تأخیر انجام نماز تا آنکه روشنی صبح به خوبی نمایان گردد.

مستحب است تأخیر نماز مغرب در روز ابرآلود.

مستحب است تأخیر نماز عشاء تاگذشت یک سوم حصهٔ شب.

مستحب است تأخیر نماز وتر تاآخر شب برای کسی که از بیدار شدن در آخر شب مطمئن است.

جمع کردن میان دو فرض در یک وقت واحد جواز ندارد، خواه جمع کردن به روی عذری بوده باشد، یا بدون عذر.

بر حجاج بیت الله الحرام ـ مخصوصاً ـ واجب است تا نماز ظهر و عصر را در عرفه به همراه امام در وقت ظهر اداء نمایند.

و نیز برایشان واجب است تا نماز مغرب و عشاء را به مزدلفه در همان وقتی اداء نمایند که در آن به مزدلفه می رسند.

اوقاتی که در آنها نماز خواندن جواز ندارد

نماز خواندن در اوقات آتی جواز ندارد، چه نماز فرض باشد و چه واجب.

همچنان قضاء آوردن نمازهای فوت شده در این اوقات جواز ندارد:

۱ـ وقت طلوع خورشید، تاآنکه خورشید بالا آید.

۲ـ وقت استواء خورشید، تاآنکه خورشید زوال پیدا کند[۱].

۱ـ نماز قضائی بعد از ادای نماز عصر تا نزدیک غروب که وقت مکروهه است، و بعد از طلوع صبح تا نزدیک طلوع خورشید، و همچنین قبل از نماز عید جواز دارد.

۳ـ وقت زرد شدن خورشید، تاآنکه خورشید غروب کند، و از این حکم نماز عصر همان روز مستثنی است، زیرا که گزاردن نماز عصر در هنگام زرد شدن خورشید نیز جواز دارد.

و اداء کردن آنچه که واجب گردیده است در این اوقات صحت دارد، اما به همراه کراهیّت.

پس اگر دراین اوقات جنازه‌ای حاضر گردید؛ نماز خواندن برآن جواز دارد به همراه کراهیّت.

و اگر کسی آیت سجده‌ای رادر این اوقات خواند، برای او اداء سجدهٔ تلاوت جواز دارد؛ به همراه کراهیّت.

خواندن نمازهای نافله در این اوقات مکروه تحریمی است.

اوقاتی که درآنها خواندن نمازهای نفل مکروه است

خواندن نمازهای نفل در اوقات آتی مکروه است:

۱ـ خواندن بیشتر از نماز سنّت فجر که عبارت از دو رکعت است، بعد از طلوع بامداد.

۲ـ بعد از نماز بامداد، تا آنگاه که خورشید بالا می‌آید.

۳ـ بعد از نماز عصر، تا آنگاه که خورشید غروب می‌کند.

۴ـ در آن هنگام که خطیب در روز جمعه برای خواندن خطبهٔ نماز جمعه بیرون می‌آید، تاآنگاه که از فرض جمعه فارغ می‌گردد.

۵ـ در هنگام گفتن اقامت؛ و خواندن سنّت فجر ازآن مستثنی است، زیرا که سنّت فجر در هنگام اقامت و بعد از آن نیز ـ بدون کراهیّت ـ در گوشهٔ مسجد خوانده می‌شود، اگرچنانچه شخص یقین داشت که امام را در رکعت دوم در می‌یابد.

۶ـ قبل از نماز عید؛ پس قبل از نماز عید نماز نفل نخواند، نه در منزلش و نه در مصلّٰی.

۷ـ بعد از نماز عید ـ خاصتاً ـ در مصلّٰی.

پس اگر بعد از نماز عید در منزلش نماز نفل راخواند نماز وی جائز است بدون کراهیّت.

۸ـ در هنگام تنگ بودن وقت؛ به طوری که شخص از آن بیم داشت که اگر به نفل مشغول شود نماز فرض از وی فوت می‌شود.

۹ـ در هنگام حاضر شدن غذا؛ اگر چنانچه شخص گرسنه بود و در نفس خویش میل شدیدی به سوی غذا می‌یافت.

۱۰ـ در هنگام فشار آوردن پیشاب، یامدفوع، یاباد شکم.

نماز چه فرض باشد و چه نفل، در هنگام فشار آوردن پیشاب، مدفوع، وباد مکروه است.

۱۱ـ در هنگام حضور چیزی که خاطر شخص را به خود مشغول گردانیده و به خشوع در نماز خلل وارد می‌کند.

۱۲ـ در بین نماز ظهر و عصر در عرفه ـ برای حاجی مخصوصاً.

۱۳ـ در بین نماز مغرب و عشاء در مزدلفه ـ برای حاجی مخصوصاً.

حکم اذان و إقامت

اذان بر مردان برای نمازهای فرض؛ سنت مؤکده است.

اقامت برمردان برای نمازهای فرض؛ سنت مؤکده است، خواه شخص مقیم باشد یا در سفر، و خواه نماز را به جماعت بگزارد، یا به تنهایی، و خواه نماز وقتی را اداء کند یانماز فوت شده را قضاء آورد.

و اذان؛ این است که بگوید:

« اَللهُ اَکْبَرُ، اَللهُ اَکْبَرُ، اَللهُ اَکْبَرُ، اَللهُ اَکْبَرُ، اَشْهَدُ اَنْ لاَ اِلٰهَ اِلاَّ اللهُ، اَشْهَدُ اَنْ لاَ اِلٰهَ اِلاَّ اللهُ، اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُوْلُ اللهِ، اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُوْلُ اللهِ، حَیَّ عَلَی الصَّلاة، حَیَّ عَلَی الصَّلاة، حَیَّ عَلَی الْفَلاح، حَیَّ عَلَی الْفَلاح، اَللهُ اَکْبَرُ، اَللهُ اَکْبَرُ، لاَ اِلٰهَ اِلاَّ اللهُ »[1].

و در اذان بامداد بعداز گفتن « حَیَّ عَلَی الْفَلاَحْ » دو بار جملهٔ « اَلصَّلاَةُ خَیْرٌ مِنَ النَّوْم »[2] را اضافه کند.

إقامه هم مثل اذان است، مگر اینکه در آن بعد از « حَیَّ عَلَی الْفَلاَحِ »؛ دوبار گفتن « قَدْ قَامَتِ الصَّلٰوة » اضافه می‌گردد.

در اذان گفتن درنگ و تأنّی و در اقامت گفتن شتاب کرده شود.

---

۱ ـ خدا بزرگتر است (چهاربار)، گواهی می‌دهم که خدایی جز الله نیست (دوبار)، گواهی می‌دهم که محمد فرستادهٔ خداست (دوبار)، بشتاب بسوی نماز (دوبار)، بشتاب به سوی رستگاری (دوبار)، خدابزرگتراست (دوبار)، خدایی جز معبود یگانه نیست (یکبار).

۲ـ نماز بهتراست از خواب.

اذان گفتن جز به زبان عربی صحیح نیست.

پس اگر با زبانی غیر از زبان عربی اذان گفت، اذان او صحیح نمی شود، خواه دانسته می‌شد که آن اذان است، یا دانسته نمی شد.

مستحبّات اذان

امور آتی در اذان مستحب است.

۱ـ اینکه مؤذن باوضوء بوده باشد.

۲ـ اینکه مؤذن به سنت و اوقات نماز دانا باشد.

۳ـ اینکه مؤذن فردی نیکوکار باشد.

۴ـ اینکه مؤذن در هنگام اذان گفتن روبه قبله نماید.

۵ـ اینکه مؤذن دو انگشت خود را در دوگوش خود قرار دهد.

۶ـ اینکه در هنگام گفتن «حَیَّ عَلَی الصَّلاة» روی خویش رابه طرف راست بگرداند، و در هنگام گفتن «حَیَّ عَلَی الْفَلاَح» روی خویش را به سمت چپ بگرداند.

۷ـ اینکه در میان اذان و اقامت به اندازه‌ای که اشخاص پایبند برجماعت، درآن به نماز حاضر شده بتوانند، فاصله قرار دهد.

ولی اگر چنانچه از فوت شدن وقت می‌ترسید، پس نماز رابه تأخیر نیندازد.

۸ـ اینکه در نماز مغرب اذان گفتن را به اندازهٔ قرائت سه آیهٔ کوتاه یابه اندازهٔ برداشتن سه قدم، به تأخیر اندازد.

۹ـ برای کسی که اذان را شنیده است مستحب است که از شغل خویش

دست کشیده و مانند آنچه را که مؤذن می‌گوید بگوید، مگر اینکه در هنگام گفتن مؤذن: «حَیَّ عَلَی الصَّلاة» و «حَیَّ عَلَی الْفَلاح»، اوباید «لاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ اِلاَّ بِاللهِ» بگوید، و در هنگام گفتن مؤذن: «اَلصَّلاةُ خَیْرٌ مِنَ النَّوْمِ»[۱] بگوید: «صَدَقْتَ وَبَرَرْتَ»[۲].

۱۰ـ مستحب است که مؤذن و شنوندهٔ اذان بعد از فراغت از اذان با این کلمات دعا کنند:

«اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلاةِ الْقَائِمَةِ آتِ مُحَمَّدَ نِ الْوَسِیْلَةَ وَالْفَضِیْلَةَ وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوْدَنِ الَّذِیْ وَعَدْتَّهُ»[۳].

اموری که در اذان مکروه است

امور آتی در اذان مکروه است:

۱ـ اذان گفتن با نغمه و آهنگ.

۲ـ اذان گفتن شخص بی وضوء و اقامت گفتن آن.

۳ـ اذان گفتن جُنُبْ.

۴ـ اذان گفتن کودک غیر عاقل.

۵ـ اذان گفتن شخص دیوانه.

۱ـ نماز بهتر از خواب است. ۲ـ راست گفتی و نیکو گفتی.

۳ـ ای بار خدایا! پروردگار این دعوت تامه و نماز برپاداشته شده، ببخش محمد را وسیله و فضیلت، و مبعوث گردان او را به مقام ستوده‌ای که به او وعده نموده‌ای.

۶ـ اذان گفتن مست.

۷ـ اذان گفتن زن.

۸ـ اذان گفتن فاسق.

۹ـ اذان گفتن شخص نشسته.

۱۰ـ برای مؤذن مکروه است که در اثناء اذان و اقامت سخن بگوید.

پس اگر مؤذن در اثنای اذان سخن گفت، برای او مستحب است تا اذان را اعاده کند.

۱۱ـ اذان و اقامت گفتن برای نماز ظهر در روز جمعه ـ در شهر ـ مکروه است.

هرکس که بیشتر از یک نماز از وی فوت گردید، پس برای نماز فوت شدهٔ اوّل اذان و اقامت بگوید، سپس در نمازهای باقی مانده مختار است، پس اگر می‌خواهد برای هرنماز فوت شده اذان و اقامت بگوید، و اگر می‌خواهد فقط به اقامت گفتن اکتفا نماید.

شرطهای صحت نماز

در اینجا چیزهایی است که در حقیقت نماز داخل نیست، و لیکن این چیزها برای صحت نماز لازم اند، بگونه‌ای که اگر یکی از این چیزها فوت گردید، نماز صحیح نمی شود، و این چیزها به نام شرطهای نماز نامیده می‌شوند، که این شرطها جمعاً شش شرط اند:

۱ـ طهارت: پس نماز بدون طهارت صحیح نیست.

و مراد به طهارت عبارت است از:

(الف) اینکه بدن نمازگزار از حدث أصغر، و حدث أکبر پاک بوده باشد.

(ب) اینکه بدن نمازگزار ازنجاستی که ازآن بخشوده نشده است پاک بوده باشد.

(ج) اینکه جامهٔ شخص نمازگزار، از نجاستی که از آن بخشوده نشده است پاک بوده باشد.

(د) اینکه مکانی که درآن نماز می‌خواند، از نجاست پاک بوده باشد.

و در پاک بودن مکان لازم است تاجای هردوپا، و هردو دست، و هردو زانو، و پیشانی پاک باشد.

۲ـ پوشیدن عورت: پس نماز بدون پوشیدن عورت درهنگام وجود قدرت بر پوشیدن آن صحیح نیست.

و لازم است که عورت شخص نمازگزار از ابتدای داخل شدن در نماز تاهنگام فراغت از آن پوشیده باشد.

اگر چنانچه یک چهارم عضو قبل از داخل شدن در نماز برهنه بود، نماز منعقد نشده است.

و اگر یک چهارم عضو دراثنای نماز به مدت اداء کردن یک رکن برهنه گردید، نماز باطل شده است.

مقدار عورت مرد: از ناف است تاانتهای زانو، پس زانوی مرد عورت است، برخلاف ناف آن که عورت نیست.

مقدار عورت کنیز: عورت کنیز از ناف است تاانتهای زانو به همراه پشت

و شکم آن.

مقدار عورت زن: تمام بدن زن بجز روی و هردو کف دست و هر دو پای آن عورت است.

۳ـ روی آوردن به قبله: بناء نماز بدون روی آوردن به قبله درهنگام وجود قدرت برروی آوردن به سوی آن، صحیح نمی شود.

عین کعبه: همانا قبلهٔ کسی است که به مکهٔ مکرمه قرار دارد و برمشاهده کعبه قادر است.

جهت کعبه: همانا قبلهٔ کسی است که برمشاهده نمودن کعبه قادر نمی باشد.

همچنین قبلهٔ کسی که ازمکهٔ مکرمه دور است، جهت کعبه می‌باشد.

هرکس به جهت بیماری‌ای، یابه جهت ترس ازدشمنی، از روی آوردن به قبله عاجز بود، پس برای او جائزاست تابه هرجهتی‌که قادراست نماز گزارد.

۴ـ وقت نماز: بناء نماز قبل از داخل شدن وقت آن صحیح نمی شود. و بیان اوقات نماز به تفصیل گذشت.

۵ـ نیّت: بناء نماز بدون نیّت صحیح نمی شود.

اگر چنانچه نماز فرض بود، تعیین کردن آن در نیّت واجب است، مثل اینکه نماز ظهر یاعصر را ـ مثلاً ـ نیّت نماید.

همچنین اگر نماز واجب بود، تعیین کردن آن در نیّت واجب است، مانند اینکه نماز وتر، یانماز عیدین را نیّت نماید.

امّا اگر نماز نفل بود، پس تعیین کردن آن شرط نیست بلکه نیّت مطلق نماز

کفایت می‌کند.

اگر چنانچه نمازگزار مقتدی بود، براو لازم است تا متابعت و پیروی امام را نیّت نماید.

ـ تحریمه: و مراد به تحریمه آن است که نمازش را باذکرخالصی برای خدای متعال افتتاح نماید، مانند اینکه بگوید: اَللهُ اَکْبَرُ، یا: اَللهُ اَعْظَمُ، یا: سُبْحَانَ الله.

و میان نیّت و تکبیر افتتاح باعملی که منافی بانمازاست ـ همچون خوردن و آشامیدن ـ فاصله نیندازد.

و در تحریمه شرط است که آنرا در حال ایستادن قبل از انحناء برای رکوع بجای آورد.

و اینکه نیّت را از تکبیر افتتاح به تأخیر نیندازد.

و اینکه بگوید «اَللهُ اَکْبَرُ»، به نحوی که خودش خود را بشنواند.

فروعاتی که به شرطهای نماز تعلق می‌گیرند

کسی که چیزی را نمی‌یابد تابه وسیلهٔ آن نجاست را زائل گرداند، پس به همراه نجاست نماز بگزارد، و نماز خویش را عود نکند.

کسی که جامه‌ای رانمی یابد تابه وسیلهٔ آن عورت خویش رابپوشاند و همچنین علف یاگِلِی را برای این منظور نمی یابد، پس برهنه نماز بخواند و نمازش را عود نکند.

هرآن کس که یک چهارم جامه‌اش پاک بود، نماز آن بطور برهنه جواز

ندارد.

هرآن کس که جامه‌اش نجس بود، پس نماز خواندن آن در جامهٔ نجس بهتر از نماز خواندن آن بطور برهنه است.

شخص برهنه نماز را نشسته بخواند، در حالی که هر دوپایش رابه سوی قبله دراز نموده است، و رکوع و سجده رابه اشاره بگزارد.

نماز گزاردن برگوشه‌ای از جامهٔ نجس جائز است، این در صورتی است که یک طرف آن جامه باحرکت دادن طرف دیگر آن حرکت نکند.

نماز گزاردن برروی نمدی که قسمت بالای آن پاک و قسمت پائین‌آن نجس‌است، جواز دارد.

شخصی که قبله بروی مُشتبَه و پوشیده گردیده است و کسی را نمی یابد که از او دربارهٔ قبله سؤال نماید، و همچنین چیز دیگری وجود ندارد که برقبله دلالت نماید، پس باید باتحقیق و بررسی اندرونی و گمان غالب خویش نماز بگزارد.

اگر بعد از بررسی نزدخود نمازگزارد اما بازهم درقبله اشتباه کرد، نماز وی صحیح است.

اگر دراثنای نماز به اشتباه خویش پی برد، به سوی قبله بچرخد و به نماز خویش ادامه دهد.

اگر از چند عضو متفرقه، بخشهایی از عورت برهنه گردید، پس اگر چنانچه مجموع آنها به اندازهٔ یک چهارم کوچکترین اعضای برهنه شده می‌رسید، نماز وی باطل است.

و اگر چنانچه مجموع اعضای برهنه شده کمتر ازاین مقدار بـود؛ نـماز وی صحیح است.

ارکان نماز

ارکان[۱] نماز پنج چیز است، و این پنج رکن فرائض نماز نیز می‌باشند.

پس کسی که یک رکن از آنهارا ترک کرد نمازش باطل است، خواه آن را به قصد ترک کرده باشد یابه سهو.

۱ـ قیام (ایستادن): پس نماز بدون قیام صحیح نیست؛ اگر چنانچه شخص برآن قادر بود.

و قیام در نمازهای نافله فرض نیست.

پس گزاردن نمازهای نافله ـ باوجود داشتن قدرت بر قیام ـ بـطور نشسـته جائز است.

۲ـ قرائت: اگرچه یک آیهٔ کوتاه؛ پس نماز بدون قرائت صحیح نیست.

قرائت در دورکعت اول از نمازهای فرض، فرض است.

و قرائت در تمام رکعت های نمازهای واجب و نفل فرض است.

و قرائت از نمازگزار ساقط می‌گردد اگر چنانچه او مقتدی بـود، بـلکه حـتی قرائت برای مقتدی مکروه است.

۱ـ ارکان: جمع رکن است، و آن چیزی است که در حقیقت شیء داخل بوده و لزوم آن به دلیلی ثابت شده است که شبهه‌ای درآن نیست.

۳ـ رکوع : پس نماز بدون رکوع صحیح نیست .

اندازهٔ فرض شده از رکوع با فرود آوردن سر محقق می‌شود، و اینکه شخص طوری انحناء کند که به حال رکوع نزدیک تر باشد .

امّا کمال رکوع با منحنی ساختن پشت محقق می‌شود؛ به گونه‌ای که سر باسرین برابر گردد .

۴ـ سجده : پس نماز بدون انجام دادن دوسجده در هر رکعت صحیح نیست .

اندازهٔ فرض شده از سجده بانهادن بخشی از پیشانی، و نهادن یکی از دو دست، و یکی از دوزانو، و چیزی از اطراف یکی از دوپابرزمین، متحقق می‌شود .

اما کمال سجده در صورتی متحقق می‌شود که هر دو دست و هر دو زانو و هردو پا و پیشانی و بینی برزمین نهاده شوند .

و سجده صحیح نیست مگر برچیزی که پیشانی شخص برآن قرار گیرد، به نحوی که اگر سجده کننده در حال سجده بر پیشانی خویش فشار آورد؛ سرآن بیش از آنچه که درحال نهادن آن بود پائین‌تر نرود .

و اکتفا نمودن در سجده برنهادن بینی، صحیح نیست مگر اینکه شخص دارای عذری باشد .

اگر کسی برکف دست خویش، یابر کنار جامهٔ خویش سجده کرد، سجده‌اش جواز دارد، امّا همراه باکراهیّت .

و برای صحت سجده این امر شرط است که محل سجده بیشتر از نصف گز

از جای نهادن هردو پا بلندتر نباشد.

پس اگر ارتفاع موضع سجده از نصف گز زیادتر بود، نماز صحیح نیست، مگر در صورتی که ازدحام شدیدی بوده باشد.

۵ـ قعدهٔ اخیر به مقدار خواندن التّحیات.

بعضی از فقهاء بیرون شدن از نماز را بافعل نمازگزار نیز از فرائض نماز دانسته اند، و لیکن در نزد محققان این امر فرض نیست، بلکه واجب می‌باشد.

واجبات[۱] نماز

امور آتی در نماز واجب است.

پس هرکس چیزی از این امور را سهواً ترک نمود، نماز آن ناقص است و باید آن را باسجدهٔ سهو جبران نماید.

و هرکس چیزی از این امور را عمداً ترک نمود، اعادهٔ نماز بروی واجب می‌شود، و در غیر آن گنه کار است.

۱ـ افتتاح نماز مخصوصاً باگفتن: «اَللهُ اَکْبَرُ».

۲ـ قرائت سورهٔ فاتحه در دو رکعت اول از نماز فرض، و در تمام رکعتهای وتر و نفل.

۱ـ واجب: آن چیزی است که لزوم آن به دلیلی ثابت شده است که در آن شبهه‌ای‌است، مانند اینکه دلیل دارای ثبوت ظنّی باشد، همچون خبر واحد، یادارای دلالت ظنی باشد، به اینکه لفظ محتمل دو معنی یا بیشتر از دو معنی باشد.

۳ـ ضمیمه نمودن یک سورهٔ کوتاه، یا سه آیهٔ کوتاه با سورهٔ فاتحه ﴿اَلْحَمْدُلِلّٰه﴾ در دو رکعت اول از نمازهای فرض، و در تمام رکعتهای وتر و نفل.

۴ـ مقدم نمودن فاتحه ﴿اَلْحَمْدُلِلّٰه﴾ بر سوره یا آیات دیگر.

۵ـ اداء نمودن سجدهٔ دوم بعد از سجدهٔ اول، بدون فاصله انداختن در میان آنها.

۶ـ اداء نمودن تمام ارکان نماز با اعتدال و طُمَأْنِیْنَه[۱].

۷ـ نشستن در قعدهٔ اول به اندازهٔ خواندن التّحیات.

۸ـ خواندن التّحیات در قعدهٔ اول، و همچنین در قعدهٔ اخیر[۲].

۹ـ ایستادن به رکعت سوم فوراً به دون تأخیر و درنگ، بعد از فارغ شدن از خواندن التّحیات.

۱۰ـ خارج شدن از نماز به لفظ سلام: (دوبار).

۱۱ـ خواندن دعاء قنوت دررکعت سوم ازنماز وتر بعد از فراغت از قرائت فاتحه و سوره.

۱۲ـ گفتن تکبیرات زوائد در عیدین، و آن سه تکبیر در هر رکعت است.

۱۳ـ گفتن تکبیر رکوع در رکعت دوم از نماز هردو عید.

۱۴ـ *بلند خواندن امام قرائت را*[۳] *در نماز بامداد و در دو رکعت اول از نماز* مغرب، و در دو رکعت اول از نمازعشاء، و در نماز جمعه، و درنماز هردو عید، و در

۱ـ اعتدال: یعنی به حالت موزون و منظم، و طمأنینه: یعنی به آرامش و اطمینان.

۲ـ به قولی دیگر خواندن التحیّات واجب نیست، بلکه سنّت است، و فقط نشستن واجب است.

۳ـ خواه برای مردم نماز ادائی را می‌خواند یانماز قضائی را.

نماز تراویح و وتر در رمضان.

منفرد (تنهاگزار) درنماز جهریه مختار است؛ اگر می‌خواهد قرائت رابلند بخواند، و اگر می‌خواهد آنرا آهسته بخواند، مگر اینکه در نمازهای جهریه افضل (بهتر) بلند خواندن آن است.

۱۵ـ قرائت امام، و منفرد (تنهاگزار) به طور آهسته در نمازهای ظهر و عصر، ودر رکعت اخیر از نماز مغرب، و در دو رکعت اخیر از نماز عشاء، و همچنین در نمازهای نافلهٔ روز.

کسی که سوره را در دو رکعت اول از نماز عشاء ترک کرد، آن را در دو رکعت اخیر به همراه فاتحه به طور جهری بخواند، و سجدهٔ سهو هم انجام دهد.

و کسی که سورهٔ فاتحه را در دو رکعت اول ترک کرد، آنرا در دو رکعت اخیر تکرار نکند، بلکه برای جبران آنچه که از وی فوت شده است سجدهٔ سهو انجام دهد.

سنتهای نماز

امور آتی در نماز سنت است، و عمل کردن به آنها لازم می‌باشد تا نماز شخص کامل گردد، چنانکه رسول اکرمﷺ فرموده اند: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي ـ آنگونه نماز بخوانید که من را می‌بینید نماز می‌خوانم».

۱ـ اینکه درهنگام گفتن تکبیرتحریمه راست بایستد، بدون اینکه سرش را فرو اندازد.

۲ـ اینکه دستهایش را قبل از گفتن تکبیر تحریمه به برابر هردوگوشش

بلند نماید[۱].

۳ـ اینکه هردوکف دست و انگشتانش در حالت بالا بـردن دو دست در تکبیر تحریمه روبه سوی قبله باشد.

۴ـ اینکه انگشتانش را در وقت بالا بردن هر دو دست، به طـور عـادی برحال خود باقی گذارد، پس نه آنهارا کلاً به هم بچسباند و نه هم آنها را کلاً از همدیگر باز و گشاده گرداند.

۵ـ اینکه دست راست خویش را بربالای دست چپ خویش در زیر ناف بنهد[۲].

۶ـ اینکه داخل کف دست راست خود را بر بیرون کـف دست چپ خـود قرار دهد در حالی که دو انگشت «خِنْصر» و «اِبْهام» را بر مچ دست خـویش حلقه نموده است[۳].

۷ـ اینکه به دنبال نهادن هردو دست برزیر ناف، ثناء بخواند.

و ثناء این است که بگوید: «سُبْحٰنَکَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِکَ، وَتَبَارَکَ اسْـمُکَ، وَ تَعالٰی جَدُّکَ، وَ لاَ اِلٰهَ غَیْرُکَ».

۸ـ اینکه قبل از قرائت سورهٔ فاتحه: «اعوذ بالله من الشیطن الرجـیم» بگوید[۴].

۱ـ واما زن، دو دست خود را قبل از تکبیر تحریمه به برابر هردو شانه خویش بالابرد.

۲ـ و زن، دستهای خویش را برسینه‌اش بنهد.

۳ـ و زن، باطن کف دست راست خود را برظاهر کف دست چپ خود قرار دهد، بدون حلقه نمودن دو انگشت.

۴ـ مقتدی اعوذ بالله و بسم الله نگوید، و مسبوق اعوذبالله و بسم الله را در اولین رکعتی که بعد از امام می‌خواند

۹ـ اینکه در هررکعت قبل از سورهٔ فاتحه: «بسم الله الرحمن الرحیم» بگوید.

۱۰ـ اینکه در هنگام فارغ شدن از سورهٔ فاتحه، آهسته: «آمین» بگوید.

۱۱ـ اینکه در حالت قیام در میان هردوپای خویش به اندازهٔ چهار انگشت گشادگی باقی گذارد.

۱۲ـ اینکه در نماز ظهر و در نماز بامداد، بعد از قرائت فاتحه سوره‌ای را از سوره‌های طوال مفصل[۱] بخواند، و در نماز عصر و عشاء، سوره ای را از سوره‌های اوساط مفصل[۲] بخواند، و در نماز مغرب سوره‌ای را از سوره‌های قصار مفصل[۳] بخواند.

۱۳ـ اینکه فقط در نماز بامداد، رکعت اول را از رکعت دوم طولانی‌تر گرداند.

۱۴ـ تکبیر رکوع است.

۱۵ـ اینکه در حال رکوع، هردو زانوی خویش را باهردو دست خویش گرفته و انگشتانش را ازهم گشاده گرداند.

۱۶ـ اینکه در حال رکوع پشتش راهموار گردانیده و سرش را باسرینش

بگوید.

۱ـ طوال مفصل: از سورهٔ (حجرات) تاسورهٔ (بروج) است.

۲ـ اوساط مفصل: بعد از سورهٔ (بروج) تاسورهٔ (لم یکن‌الذی) است.

۳ـ قصار مفصل: بعد از سورهٔ (لم یکن الذی) تاسورهٔ (ناس) است.

برابر سازد، و هردو ساق پای خویش را راست و کشیده بدارد.

۱۷ـ اینکه در رکوع حداقل سه بار «سُبْحَانَ رَبِّیَ الْعَظِیْم» بگوید.

۱۸ـ اینکه مرد در حال رکوع دو دستش را از دوپهلویش دور نگهدارد.

۱۹ـ اینکه امام در هنگام برداشتن سر از رکوع «سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهْ»، و مقتدی آهسته «رَبَّنَاوَلَکَ الْحَمْد» بگوید.

و منفرد (تنها گزار) هردو راباهم یکجابگوید.

۲۰ـ تکبیر سجده است.

۲۱ـ اینکه در هنگام سجده، اول هردوزانوی خود، سپس هردودست خود، و سپس روی خود را بر زمین بنهد.

۲۲ـ اینکه درهنگام برخواستن از سجده، اول روی خود، سپس هردو دست خود، و سپس هردو زانوی خود را از زمین بردارد.

۲۳ـ اینکه در حال سجده، روی خویش را در میان هردوکف دست خویش بنهد.

۲۴ـ اینکه در حال سجده، شکم خویش را از هردو ران خویش، و هردو آرنج خویش را از دو پهلوی خویش، و هردو بازوی خویش را از زمین دور گرداند.

۲۵ـ اینکه در حال سجده، انگشتان هر دو دست وی به هم چسبیده باشد.

۲۶ـ اینکه در حال سجده، انگشتان هر دو پای وی رو به سوی قبله باشد.

۲۷ـ اینکه درسجده حداقل سه‌بار به‌طور آهسته: «سُبْحَانَ رَبِّیَ الْأَعْلٰی» بگوید.

۲۸ـ اینکه برای برداشتن سر از سجده تکبیر بگوید.

۲۹ـ اینکه بدون نشستن و بدون تکیه دادن دودست خویش به زمین، از سجده برخیزد، مگر در صورتی که برای وی عذری باشد.

۳۰ـ اینکه هردو دست خویش را در بین دو سجده بر هردو ران خویش بنهد، چنانکه در حال خواندن التّحیات آنهارا می‌نهاد.

۳۱ـ اینکه در حالت نشستن در قعدهٔ اول و اخیر پای چپش را فرش نموده و پای راستش را ایستاده کند[۱].

۳۲ـ اینکه با انگشت مُسَبِّحَهْ (سبّابه) در تشهد اشاره کند، یعنی آن را در هنگام گفتن «لاَ اِلٰهَ» بلند نموده و در هنگام گفتن «اِلاَّ الله» فرونهد.

۳۳ـ اینکه سورهٔ فاتحه را در دو رکعت اخیر از نمازهای ظهر و عصر و عشاء، و در رکعت سوم از نماز مغرب بخواند.

۳۴ـ اینکه بعد از تشهد در قعدهٔ اخیر بر رسول خدا ﷺ درود بخواند.

۳۵ـ اینکه بعد از درود خواندن بررسول اکرم ﷺ، در حق خویش با دعاهای مأثوره دعاء نماید.

و از دعاهای مأثوره یکی هم این دعاء است:

۱ـ و زن، بر سرین خود بنشیند و هردوران خویش را برزمین بنهد، و پای خویش را از زیر سرین راست خود بیرون کند.

«اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ ظَلَمْتُ نَفْسِیْ ظُلْماً کَثِیْراً، وَاِنَّهُ لاَ یَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلاَّ اَنْتَ، فَاغْفِرْلِیْ مَغْفِرَةً مِّنْ عِنْدَکَ، وَارْحَمْنِیْ، اِنَّکَ اَنْتَ الْغَفُوْرُ الرَّحِیْمُ»[۱].

۳۶ـ اینکه در هنگام گفتن «اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ الله» روی خویش را به جانب راست و چپ بگرداند.

۳۷ـ اینکه امام، تکبیرات انتقال را بلند و مقتدی آنها را آهسته بگوید[۲].

۳۸ـ اینکه امام «اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ الله» را بلند، و مقتدی آنرا آهسته بگوید.

۳۹ـ اینکه امام به سلام خویش؛ مردان، و فرشتگان نگهبان (ملائکهٔ حفظه) و جنّیان صالح و نیکوکار را نیّت کند، یعنی اینکه نیّت او این باشد که برای آنها سلام می‌گوید.

و مقتدی به سلام خویش؛ امام را به همراه جمعیت همراه امام نیّت کند، و منفرد (تنها گزار) فقط فرشتگان را نیّت کند.

۴۰ـ اینکه آواز خویش را در سلام دوم نسبت به سلام اول پایین بیاورد.

۴۱ـ اینکه سلام دادن را از جانب راست آغاز کند.

۱ـ ای بار خدایا! من برخود ستم نموده ام، ستمی بسیار، و محققاً گناهان را نمی آمرزد مگر تو، پس بیامرز برای من به آمرزشی از نزد خویش، و بر من رحم کن، بیگمان تو آمرزگار مهربان هستی.

۲ـ تکبیرات انتقال، یعنی تکبیرات رکوع و سجده و قعده و قیام.

۴۲ـ اینکه سلام مقتدی باسلام امامش پیوسته باشد.

۴۳ـ اینکه مسبوق، فراغت امام را از هردو سلام انتظار بکشد، و قبل از فراغت امام از هردو سلام، برای تمام کردن نماز خویش ایستاده نشود.

مستحبّات نماز

امور آتی در نماز مستحب است، بناءً رعایت آنها نیکوست تا نماز بروجه کاملتری اداء گردد.

۱ـ اینکه مرد در هنگام گفتن تکبیر تحریمه، هردوکف دست خویش را از زیر پتویش، یا از هردو آستینش بیرون کند، اما زن کف دستان خویش را بیرون نکند، و آشکار نسازد.

۲ـ اینکه نگاه نمازگزار در حال قیام به سوی موضع سجده‌اش باشد.

۳ـ اینکه نگاه نمازگزار درحال رکوع به سوی بیرون هردو پایش باشد.

۴ـ اینکه نگاه نماز گزار در حال سجده به سوی کنارهٔ (پره) بینی‌اش باشد.

۵ـ اینکه نگاه نمازگزار در حال نشستن به‌سوی سینه‌اش باشد.

۶ـ اینکه نگاه نمازگزار در هنگام سلام دادن، به سوی هردو شانه‌اش باشد.

۷ـ اینکه سرفه و خمیازه را به قدر توان از خود دفع نماید.

۸ـ اینکه در هنگام خمیازه کشیدن ـ اگر چنانچه به آن ناچار گردید ـ دهانش را ببندد.

۹ـ اینکه در قعدهٔ اول و اخیر، آن تشهدی را بخواند که از حضرت عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه نقل شده است[۱].

۱۰ـ اینکه در نماز وتر ـ مخصوصاً ﴿اَللّٰهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِيْنُكَ ...﴾ الی آخر، را بخواند.

فاسدکننده‌های نماز

نماز فاسد می‌شود اگر یکی از امور آتی در اثناء نماز رونما گردید:

۱ـ اگر شرطی از شرطهای نماز از نمازگزار فوت گردید.

۲ـ اگر نمازگزار رکنی از ارکان نماز را ترک کرد.

۳ـ اگر نمازگزار در اثناء نماز خویش سخن گفت، خواه سخن گفتن وی به قصد باشد، یابه سهو، یابه خطاء.

۴ـ اگر نمازگزار در نماز به چیزی دعاء کرد که مشابه باکلام مردم است، مانند اینکه بگوید: ای‌بارخدایا! فلان دختررا به‌نکاح من درآور، یا انار و سیبی روزی من کن.

۵ـ اگر [illegible] برگرداند.

برابر است که سلام دادن وی به قصد بوده باشد، یابه سهو، یابه خطاء.

اما اگر چنانچه جواب سلام را به اشاره داد؛ نمازش فاسد نمی شود.

۱- لفظ این تشهد بعداً در همین کتاب خواهد آمد.

۶ـ اگر در اثنای نماز عمل کثیر انجام داد[۱].

۷ـ اگر سینه‌اش را از جهت قبله برگرداند[۲].

۸ـ اگر در اثنای نماز چیزی خورد، یا چیزی آشامید، و لو اینکه آن چیز خورده شده یا آشامیده شده اندک باشد.

۹ـ اگر چیزی را خورد که به دندانهایش چسبیده بود، و به اندازه‌ای یک نخود بود[۳].

۱۰ـ اگر بدون ضرورت، سینه صاف کرد[۴].

۱۱ـ اگر در نماز آه کشید، یا اُفّ گفت، یا ناله نمود. در صورتیکه این چیزها ناشی از ترس خدای متعال نبوده باشد.

و بیماری که خود را از آه و ناله نگهداری کرده نمی تواند، از این حکم مستثنی است، پس نماز وی با آخ و اُف فاسد نمی شود.

۱۲ـ اگر به آواز بلند گریست، و این گریهٔ او ناشی از ترس خدای متعال،

۱ـ *عمل کثیر: همانا عملی است که برگمان کسی که به سوی شخص نظر می‌کند این امر غالب شود که انجام دهندهٔ آن عمل در حال نماز نیست.*

۲ ـ و لیکن کسی که در اثنای نماز بی وضوء شد و برای وضوء گرفتن بیرون گردید و سینه اش را از جهت قبله برگرداند، نمازش فاسد نمی شود.

۳ـ اما اگر چنانچه چیز خورده شده کمتر از یک نخود بود، پس نماز آن فاسد نمی شود.

۴ـ اما اگر به جهت عذری سینه صاف کرد، یا برای اصلاح آوازش سینه صاف کرد، یا سینه صاف کرد تا امامش را بر خطائی که از وی رونما شده است آگاه نماید، پس نمازش فاسد نمی شود، همچنین اگر سینه صاف کرد تا بیاگاهاند که او در نماز است، نیز نمازش فاسد نمی شود.

یا از یادآوری بهشت، یا دوزخ نبود، بلکه ناشی از درد، یا مصیبتی بود[۱].

۱۳ـ اگر عورت نمازگزار در اثنای نماز به مدت اداء یک رکن برهنه گردید.

۱۴ـ اگر در بدن نمازگزار، یا در جامه اش، یا در مکان نمازش به مدت اداء یک رکن نجاستی پیدا شد.

۱۵ـ اگر بر نمازگزار در اثنای نماز دیوانگی عارض گردید.

۱۶ـ اگر بر نمازگزار در اثنای نماز بیهوشی عارض گردید.

۱۷ـ اگر خورشید در هنگامی که نمازگزار مصروف اداء نماز بامداد بود، طلوع کرد.

۱۸ـ اگر وقت زوال در نماز عیدین داخل گردید.

۱۹ـ اگر وقت عصر در نماز جمعه داخل گردید.

۲۰ـ اگر نمازگزار تیمّم زده بود، پس آب را یافت، و بر استعمال آب قدرت پیدا کرد.

۲۱ـ اگر وضوء نمازگزار با عمل وی یا به غیر عملش شکست[۲].

۲۲ـ اگر همزهٔ ﴿اَللّٰهُ اَکْبَرْ﴾ را مدّ کشید.

۲۳ـ اگر از روی مصحف قرائت خواند.

۲۴ـ اگر رکنی از ارکان نماز را در حالت خواب اداء کرد و آن رکن را بعد از

۱ـ اگر چنانچه گریه ناشی از ترس خدای متعال، یا از یادآوری بهشت یا دوزخ بود، پس نماز وی فاسد نمی گردد.

۲ـ اما اگر بدون قصد وی در او بی وضوئی عارض گردید، پس نمازش فاسد نمی شود، بلکه وضوء سازد و به نماز خویش ادامه دهد.

بیدار شدن از خواب اعاده ننمود.

۲۵ـاگر نمازگزار صاحب ترتیب بود، پس در اثنای نماز خویش بیاد آورد که بر عهدهٔ وی نماز فوت شده‌ای‌است که هنوز آن را قضاء نیاورده است.

۲۶ـاگر امام (پیشنماز) مردی راخلیفهٔ (جانشین) خود ساخت که صلاحیت امامت را نداشت.

۲۷ـاگر نمازگزار گمان کرد که بر وی بی وضوئی عارض شده است پس از مسجد بیرون شد، یا از صفهای نماز گذشت، یا از نزد (سُتره)[1] در غیر مسجد گذشت.

۲۸ـاگر در اثنای نماز به آواز خندید.

۲۹ـاگر موزه‌اش را در اثنای نماز کشید، خواه این کشیدن با عمل اندک باشد یا با عمل بسیار (کثیر).

۳۰ـاگر مقتدی از امامش در ادای رکنی سبقت جست، به نحوی که در ادای این رکن با امام شریک نبود.

مانند اینکه مقتدی قبل از امام خویش رکوع نموده و سرش را قبل از رکوع امام بلند کند، و این رکوع را به همراه امام عود ننماید.

۳۱ـاگر در اثنای نماز جُنُبْ گردید، خواه جنابت وی با نگریستن به سوی زنی روی داد، یا با فکر کردن در زیبائی آن زن، یا با احتلام[2].

۱ـ بیان آن خواهد آمد.

۲ـ احتلام عبارت است از خارج شدن آب منی.

اموری که نماز با آنها فاسد نمی شود

نماز با امور آتی فاسد نمی شود:

۱ـ اگر سهواً برای بیرون شدن از نماز سلام داد.

۲ـ اگر کسی از موضع سجدهٔ آن گذشت.

۳ـ اگر چیزی را خورد که به دندانهایش چسبیده بود و آن چیز کمتر از یک دانهٔ نخود بود.

۴ـ اگر به سوی نوشته‌ای نگریست، و آن نوشته را فهمید.

اموری که در نماز مکروه است

امور آتی در نماز مکروه است، پس اجتناب از آنها لازم است تا برنماز نقصی عارض نگردد:

۱ـ ترک سنتی از سنتهای نماز به قصد.

۲ـ بازی کردن نمازگزار با جامه، یابدن خویش.

۳ـ نماز خواندن در جامهٔ بذله و حقیری که شخص درمانند آن جامه به سوی اشراف مردم بیرون نمی آید.

۴ـ تکیه نمودن بر چیزی در حال نماز.

۵ـ میل کردن باگردن به سمت چپ و راست بدون نیاز.

۶ـ نماز خواندن در روبه‌روی آدمی‌ای.

۷ـ نماز خواندن در هنگام فشار پیشاب، مدفوع، و باد شکم.

۸ـ نماز خواندن در زمین غیر، بدون رضای آن.

۹ـ نماز خواندن در روبروی آتش، یا در روبروی گلخن و آتشدانی که درآن آتش است.

۱۰ـ نماز خواندن در مکان حقیر و پستی چون حمام، و مستراح (توالت).

۱۱ـ نماز خواندن در میان راه.

۱۲ـ نماز خواندن در گورستان.

۱۳ـ نماز خواندن در نزدیک موضع نجاست.

۱۴ـ نماز خواندن به همراه نجاست اندکی که نماز با آن بدون عذر جواز دارد.

۱۵ـ نماز خواندن در جامه‌ای که در آن تصاویر موجود ذی روحی است.

۱۶ـ نماز خواندن در مکانی که در آن عکس و تصویر هست، خواه تصویر بالای سر آن باشد، یاجلوی روی آن، یاپشت سرآن[۱].

۱۷ـ در هم شکستن و به صدا در آوردن انگشتان.

۱۸ـ درهم داخل نمودن انگشتان.

۱۹ـ چهار زانو نشستن بدون عذر.

۲۰ـ چمباتمه نشستن[۲].

۲۱ـ فرش نمودن هر دوبازوی خود در حالت سجده.

۱ـ امّا اگر چنانچه تصویر کوچک بود به گونه‌ای که برای شخص ایستاده آشکار نمی‌گردید، یا تصویری بود که سر آن قطع شده بود، یاتصویر غیر ذی روحی بود پس نماز مکروه نمی شود.

۲ـ و آن نشستن به مانند نشستن سگ است، اعراب می‌گویند «اقعی اقعاءً»: سگ برروی مقعد خود نشست ودو پایش را برزمین گسترد و دو دستش را در جلو، راست قرار داد.

۲۲ـ نهادن هر دو دست خود بر تهی گاه خویش.

۲۳ـ بالا زدن هر دو آستین از هر دو بازوی خویش.

۲۴ـ نماز خواندن، تنها با شلوار، یا تنها با زیر جامه، به همراه داشتن قدرت بر پوشیدن پیراهن.

۲۵ـ نماز خواندن با سر برهنه بدون عذر، یا بدون در نظرداشت مصلحتی[۱].

۲۶ـ نماز خواندن در پشت صفی که در آن گشاده‌گی و گنجایشی برای ایستادن او موجود است.

۲۷ـ شمردن آیات و تسبیح‌ها با انگشتان خویش.

۲۸ـ پاک کردن خاکی که او را اذیت نمی کند از روی خویش در اثناء نماز.

۲۹ـ بسنده کردن در سجده تنها بر پیشانی، بدون عذر.

۳۰ـ نمازخواندن درحال حاضر بودن غذا،اگرچنانچه نفس آن میل به غذا داشت.

۳۱ـ معین کردن سوره‌ای خاص در نماز، به طوری که غیر از آن دیگر سوره‌ای را نخواند[۲].

۳۲ـ تکرار کردن قرائت یک سوره در دو رکعت از نماز فرض، اگر چنانچه غیر آن را نیز از حفظ داشت.

---

۱ ـ اما اگر به جهت عذری، یابه جهت خشوع و خاکساری در بارگاه پروردگار، برهنه‌سر نماز خواند، پس نماز وی مکروه نیست.

۲ ـ پس اگر سوره را به جهت عذری معین ساخت، یا جهت تبرک جستن به قرائت نبی‌اکرم (ص)، پس نماز وی مکروه نیست.

۳۳ـ قرائت برخلاف ترتیب سوره‌ها به قصد[۱] در نماز های فرض.

۳۴ـ طولانی‌تر کردن رکعت دوم بر رکعت اول، به درازکردنی زیاد و فاحش[۲].

۳۵ـ برگرداندن انگشتان دستها، یاپاهایش از جهت قبله در حال سجده، یا در غیر آن.

۳۶ـ سجده کردن بر پیچ عمامه خود، یا سجده کردن بر تصویر ذی‌روحی.

۳۷ـ فاصله انداختن در نمازهای فرض بایک سورهٔ کوتاه میان دو سوره‌ای که آنها را خوانده است، مانند اینکه در رکعت اول سورهٔ «تکاثر» را بخواند و در رکعت دوم سورهٔ «هُمَزَهْ» را، و در میان آن دو، سورهٔ عصر را ترک کند و بجا گذارد.

۳۸ـ ننهادن دو دست بر دو زانو در رکوع.

۳۹ـ ننهادن دو دست بر دو ران در تشهد، و در جلسهٔ میان دو سجده.

۴۰ـ خمیازه کشیدن.

بناءً اگر خمیازه بروی غلبه کرد باید آن را فرو بندد، به اینکه بیرون دست راست خویش را بردهانش بنهد.

۴۱ـ جواب دادن سلام با اشاره.

۴۲ـ گرفتن شپش در حال نماز، و کشتن آن.

۱ـ اما اگر ترتیب را سهواً مخالفت کرد، پس نماز مکروه نمی شود.

۲ـ اما اگر رکعت دوم را بررکعت اول به اندازهٔ دو آیه یا سه آیه طولانی تر کرد، پس نماز مکروه نیست.

۴۳ـ نماز خواندن در حالتی که دور سرش را با مندیل بسته است، و میان آن را برهنه گذاشته است.

۴۴ـ نماز خواندن در حالتی که موی خود را بافته و آنرا دور سرخویش پیچیده است[۱].

۴۵ـ اینکه جامه اش را از پیش رو یا از پس پشت خویش در هنگام رکوع و سجده بالا زند، از بیم آنکه به خاک آلوده شود.

۴۶ـ فرو آویختن جامه اش، به اینکه جامه را بر سر خویش قرار دهد، یا بر دوش خویش بیندازد و هردو سوی آن را رها کند بدون اینکه آنهارا از هردو جانب به هم ضمیمه گرداند.

۴۷ـ فرو آویختن إزار یا شلوارش به پایین تر از هردو قوزک (بجلک) پا.

۴۸ـ رکوع کردن قبل از تمام نمودن قرائت، و سپس تکمیل نمودن قرائت در رکوع.

۴۹ـ ایستادن امام با تمامی بدن خویش در محراب بدون عذر[۲].

۵۰ـ ایستادن امام به تنهایی درمکانی مرتفع به اندازه یک گز، یا در مکانی گود و پایین بدون عذر، پس اگر یکی از مقتدی ها به همراه او ایستاد، نماز مکروه نیست.

---

۱ ـ عَقَصَ شَعْرَهُ: موی سر خودرا بر پشت سر خود، یابرجلوی سر خود بست.

۲ـ اما اگر امام خارج از محراب ایستاد و درمحراب سجده کرد، یابه جهت تنگی مکان با تمامی وجود خود در محراب ایستاد، پس نماز مکروه نیست.

۵۱ـ برهم نهادن پلکهای خویش بدون مصلحتی[۱].

۵۲ـ بالابردن دو چشمانش در نگریستن به سوی آسمان.

اموری که در نماز مکروه نیست

امور آتی در نماز مکروه نیست.

۱ـ برگرداندن چشم بدون برگرداندن روی.

۲ـ نماز خواندن در روبروی مُصحف.

۳ـ نماز خواندن به پشت سر مرد نشسته‌ای که سخن می‌گوید.

۴ـ نماز خواندن در روبروی چراغ، یاچلچراغ (لوستر).

۵ـ تکرار یک سوره در دو رکعت از نمازهای نفل.

۶ـ پاک کردن پیشانی خویش از خاک، یااز علف و خار و خاشاک، بعد از فارغ شدن از نماز.

همچنین پاک کردن پیشانی خویش در میان نماز از خاشاک یا خاکی که او را اذیت می‌کند، یا اورا از نمازش به خود مشغول می‌گرداند.

۷ـ کشتن مار یاعقرب، اگر چنانچه از آزار آنها بیم داشت.

۸ـ افشاندن جامه اش، برای اینکه در رکوع یا سجده به بدنش نچسبد.

۹ـ سجده کردن بر فرشی که در آن تصاویر ذی روحی است، اگر براین تصاویر سجده نمی کرد.

---

۱ ـ پس اگر چشمان خود را به جهت ازدیاد خشوع در نماز فرو بست، نماز مکروه نیست.

۱۰ـ نماز خواندن روبروی شمشیر آویخته‌ای.

کیفیت اداء نماز

آنگاه که می‌خواستی نماز بگزاری، پس برخیز و بایست، و هردو کف دستت را به برابر هردو گوشت بلند کن در حالی که نیّت کنندهٔ اداء نماز هستی، سپس بگوی: «اَللهُ اَکْبَرُ»، آنگاه دست راستت را بر بالای دست چپت در زیر ناف خویش بنه ـ بیدرنگ به‌دنبال تکبیر تحریمه ـ سپس نماز را افتتاح کن با خواندن آهستهٔ: «سُبْحَانَکَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِکَ، وَ تَبَارَکَ اسْمُکَ، وَتَعَالٰی جَدُّکَ، وَلاَ اِلٰهَ غَیْرُکَ».

سپس آهسته بگوی: «اَعُوْذُ بِاللهِ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ»[۱].

آنگاه آهسته بگوی: «بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ»[۲].

سپس سورهٔ فاتحه را بخوان، پس چون از قرائت سورهٔ فاتحه فارغ گردیدی، آهسته «آمین» بگوی، آنگاه سوره‌ای رابخوان، یاسه آیت کوتاه را، یاحداقل یک آیهٔ بلند را، سپس با گفتن «الله اکبر» رکوع کن در حالی که سرت را باسرینت برابر ساخته و هردو زانویت رابادو دستت با انگشتان گشاده، گرفته‌ای، و بگوی ـ در حالی که در رکوع قرار داری ـ «سُبْحَانَ رَبِّیَ الْعَظِیْمِ» سه

۱ـ مقتدی «اعوذ بالله» نگوید، زیرا «اعوذ بالله» برای قرائت خواندن است، و او قرائت نمی خواند.

۲ـ مقتدی «بسم الله..» نگوید بلکه «بسم الله..» را فقط امام و منفرد (تنها گزار) در هر رکعت قبل از سورهٔ فاتحه می‌خوانند.

بار علی الاقل، سپس سرت را از رکوع بردار در حالی که می‌گوئی: « سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ » « رَبَّنَاوَلَکَ الْحَمْدُ »[1]، مگر آنگاه که مقتدی باشی، در این صورت به گفتن « رَبَّنَاوَلَکَ الْحَمْدُ » اکتفا کن، و آرام و مطمئن بایست، آنگاه تکبیر بگوی در حالی که به سوی سجده می‌روی، و ابتداء هردو زانویت رابرزمین بنه، سپس هردو دستت را، سپس رویت را در میان هر دوکف دستت.

و به آرامی بابینی‌ات، و پیشانی‌ات سجده کن درحالی که شکمت را از هردو رانت، و هردو بازویت را از پهلوهایت دور گردانیده‌ای[2] ـ اگر چنانچه ازدحام نبود ـ و در حالی که انگشتان دستها و پاهایت را بسوی قبله برگردانیده‌ای، ودر سجده بگوی: « سبحان ربی الا علی » حداقل سه بار.

آنگاه تکبیر بگوی، در حالی که سرت را از سجدهٔ اول برداشته ای، و در میان دو سجده بنشین و آرام بگیر، درحالی که هردو دستت را بردو رانت نهاده‌ای، سپس تکبیر بگوی، و باردوّم سجده کن، و در سجده دوم نیز حداقل سه بار تسبیح بگوی.

آنگاه سرت را تکبیر گویان از سجده بردار ـ برای برپاخواستن ـ بدون تکیه کردن برزمین با دستهایت، و بدون نشستن. و در اینجاست که رکعت اوّل به پایان رسیده است، و در رکعت دوم نیز همانند آنچه که در رکعت اول انجام داده‌ای، انجام بده، مگر اینکه در اینجا دیگر دستهایت را بلند نمی کنی، و دعاء

۱ـ امام می‌گوید: « سمع الله لمن حمده »، و مقتدی می‌گوید: « ربنا ولک الحمد »، و منفرد (تنهاگذار) هردورا می‌گوید.

۲ـ و اما زن؛ شکمش را از هردو رانش دور نسازد، بلکه فرود آید و شکمش را باهردو رانش بچسباند.

استفتاح[۱] رانمی خوانی، و در آن «اَعُوْذُ بِاللهِ ...» نیز نمی گوئی، و چون از سجدهٔ رکعت دوم فارغ شدی پای چپت را فرش کن، و بر آن بنشین، و پای راستت را ایستاده کن، در حالی که انگشتان آن را به سوی قبله برگردانیده ای، و دستهایت را بر هردو رانت بنه، در حالی که انگشتانت را از هم گشاده گردانیده‌ای، آنگاه تشهدی را که از حضرت عبدالله‌ابن مسعود رضی الله عنه منقول است بخوان:

«اَلتَّحِيَّاتُ لِلّٰهِ وَالصَّلَوٰةُ وَالطَّيِّبَاتُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُاللهِ وَبَرَكَاتُهُ، اَلسَّلاَمُ عَلَيْنَا وَعَلٰى عِبَادِاللهِ الصَّالِحِيْنَ، اَشْهَدُ اَنْ لاَ اِلٰهَ اِلاَّ اللهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ»[۲]، در حالی که انگشت مسبّحه را در شهادت به اشاره بالا کرده‌ای، یعنی آن را در هنگام گفتن «لااِلٰه» بلند کن، و در هنگام گفتن «اِلا اللّٰه» فرودآور، و اگر نماز دو رکعتی بود ـ همچون نماز بامداد و جمعه و عیدین ـ پس بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم بعد از تشهد درود بخوان، و بگو:

«اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ وَعَلٰى آلِ اِبْرَاهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَجِيْدٌ، اَللّٰهُمَّ بَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَابَارَكْتَ عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ وَ عَلٰى آلِ

۱ـ دعاء استفتاح: «سبحنک اللهم...» الی آخر است.

۲ـ ملک و فرمانروایی از آن خداست، وهمهٔ درودها و نیکویی‌ها، سلام برتو ای پیامبر، و رحمت خدا و برکتهای وی، سلام برما وبربندگان شایستهٔ خداوند، گواهی می‌دهم که خدایی جز معبود یگانه نیست و گواهی می‌دهم که محمد(ص) بنده و فرستادهٔ وی است.

اِبْراهِیْمَ اِنَّکَ حَمِیْدٌ مَجِیْدٌ »[۱].

سپس دعاء بخوان، نظیرآن دعاهائی که در قرآن کریم وارد شده است، مثل اینکه بگوئی: « رَبَّنَا آتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً، وَ فِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارْ »[۲]، سپس به سمت راست و چپ سلام بده در حالی که می‌گوئی: « السلام علیکم ورحمة الله »، و حال آنکه به هردو سلام خود کسانی را نیّت داری که همراه تواند از نماز گزاران و فرشتگان نگهبان (حَفَظَهْ) و جنیان نیکوکار.

واگر نماز سه رکعتی، یا چهار رکعتی بود، پس در قعدهٔ اول بر تشهد میفزای، بلکه بدنبال فارغ شدن از تشهد، تکبیرگویان برای رکعت سوم برخیز، و در رکعت سوم فقط سورهٔ فاتحه را بخوان، اگر چنانچه نماز سه رکعتی بود همچون نماز مغرب، و در رکعت چهارم نیز فقط سورهٔ فاتحه را بخوان اگر چنانچه نماز چهار رکعتی بود، همچون نماز ظهر و عصر مثلاً[۳]، و رکوع و سجده کن همچنانکه در دو رکعت اول می‌کردی، سپس بنشین و در قعدهٔ اخیر تشهد را

۱ـ ای بار خدایا! بر محمد و آل محمد درود بفرست، چنانکه بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی، بی گمان که تو ستوده صفات و در ذات خود عظیم و نسبت به بندگان بسیار احسان کننده‌ای، ای بار خدایا! برمحمد و آل محمد برکت نه، چنانکه برکت نهاده‌ای بر ابراهیم، و بر آل ابراهیم، بیگمان که تو ستوده صفات و در ذات خود عظیم و نسبت به بندگان بسیار احسان کننده‌ای.

۲ـ ترجمه: پروردگارا! به مادر دنیا حسنه بده (حسنه در دنیا عبارت از تمام نعمتهاست)، و در آخرت نیز حسنه بده (حسنه در آخرت بهشت و درجات بلنداست)، و مارا از عذاب آتش نگه دار.

واگر می‌خواهی این دعاء را بخوان: « اَللّٰهُمَّ اِنِّی ظَلَمْتُ نَفْسِی ظُلْماً کَثِیْراً وَاِنَّهُ لاَ یَغْفِرُالذُّنُوْبَ اِلاَّ اَنْتَ فَاغْفِرْلِی مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدَکَ وَارْحَمْنِی اِنَّکَ اَنْتَ الْغَفُوْرُ الرَّحِیْمُ ».

۳ـ مراد نمازهای فرض است.

بخوان و بر رسول خداﷺ همچنانکه گذشت درود بخوان.

فضیلت نماز جماعت

خدای متعال فرموده است: ﴿ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ - و رکوع کنید با رکوع کنندگان ﴾. (سورهٔ بقره - ۴۳)

ورسول خداﷺ فرموده است: «صلاةُ الجماعةِ تَفْضُلُ صلاةَ الْفَذِّ بِسبْعٍ و عشرين درجةً - نماز جماعت بر نماز منفرد به بیست و هفت درجه برتری دارد». (به روایت مسلم)

و مسلم است که رسول خداﷺ در طول حیات شریف خویش بر نماز جماعت مواظب و پایبند بوده و از جماعت حتی در بیماریشان تخلف نکرده‌اند، مگر به ندرت.

و همچنین صحابه بزرگوار ﷺ بر نماز جماعت سخت پایبند بودند و از جماعت تخلف نمی کرد مگر شخص معذور یا منافقی که نفاق آن معروف و شناخته شده بود، چنانچه از حضرت عبدالله ابن مسعودﷺ روایت شده است که فرمود:

«مارا به حالتی می‌دیدی که از نماز جماعت تخلف نمی‌کرد مگر منافقی که نفاق آن شناخته شده بود، یابیماری، و چنان بود که حتی بیمار با تکیه بر شانه‌های دو مرد به سختی راه می‌رفت تا به نماز جماعت می‌آمد، و فرمود: رسول خداﷺ به ما سنتهای هُدٰی را تعلیم دادند، و همانا از سنتهای هدٰی نماز خواندن در مسجدی است که در آن اذان گفته می‌شود». (به روایت مسلم)

جماعت: همانا ارتباطی است که در میان نماز مقتدی و امام بر قرار می‌شود.

جماعت بایک‌تن همراه امام در همهٔ نمازها منعقد می‌شود مگر در نماز جمعه.

و جماعت در نماز جمعه باسه مرد به جز امام، منعقد می‌شود.

حکم جماعت

جماعت نمازهای پنجگانه برای مردان سنت عینی مؤکده‌ای است که در قوت خود شبیه واجب می‌باشد.

و تخلف از جماعت جواز ندارد مگر با عذری شرعی.

هرکس که عذری ندارد و معتاد به ترک جماعت است پس محققاً گنه‌کار می‌باشد.

جماعت شرط إقامهٔ نمازهای جمعه و عیدین می‌باشد.

پس نماز جمعه، و نمازهای عیدین بدون جماعت صحیح نمی شوند.

جماعت برای نماز تراویح و برای نماز کسوف (خورشید گرفتگی) سنت کفایی مؤکّده‌ای است.

جماعت برای نماز وتر در رمضان مستحب است.

جماعت برای نماز وتر در غیر رمضان مکروه تنزیهی است ـ اگر چنانچه نمازگزاران آن را به طور دائم برپا می‌ساختند.

پس اگر در غیر رمضان یک بار یا دو بار نماز وتر را به جماعت گزاردند، بدون

اینکه برآن مواظبت کنند، به آن باکی نیست.

جماعت برای نماز خسوف (ماه گرفتگی) مکروه است.

و جماعت برای نمازهای نافله مکروه است اگر چنانچه بادعوت کردن مردم از یکدیگر جهت إقامهٔ آن و با اعلام نمودن برپا می‌گردید.

اما اگر مردم بدون دعوت واعلامی جمع شدند و بدون اذان واقامه جماعت نافله را برپا کردند، این کار مکروه نیست.

برگزارکردن جماعت دوم در مسجد محلی که دارای امام و مؤذن است، در حالی که اهل آن محله با اذان و اقامت نماز گزارده‌اند، مکروه است، اما اگر چنانچه شکل و هیئت برگزاری نماز جماعت دوم باجماعت اول فرق داشت، به این ترتیب که امام جماعت دوم در غیر مکانی که امام جماعت اول در آن ایستاده بود؛ ایستاد پس برگزارکردن جماعت دوم مکروه نیست.

جماعت برای چه کسی سنت است؟

جماعت برای کسی که در آن شرطهای آتی فراهم باشد سنت مؤکّده‌ای است که در قوّت خود شبیه واجب می‌باشد:

۱ـ اینکه مرد باشد، پس جماعت برای زن سنت نیست.

۲ـ اینکه بالغ باشد، پس جماعت برای کودک سنت نیست.

۳ـ اینکه عاقل باشد، پس جماعت برای دیوانه سنت نیست.

۴ـ اینکه از عذرها سالم‌باشد، پس جماعت برای شخص معذور سنت نیست.

۵ـ اینکه آزاد باشد، پس جماعت برای برده سنت نیست.

اگر هریک از زن، کودک، دیوانه، معذور، و برده به جماعت نماز گزاردند؛ نماز آنها صحیح است و برآن ثواب داده می‌شوند.

حضور در جماعت چه وقت ساقط می‌شود؟

اگر یکی از عذرهای آتی رونما گردید؛ حضور در جماعت ساقط می‌شود:

۱ـ اگر از آسمان باران سختی می‌بارید.

۲ـ اگر هوا بسیار سرد بود، به طوری‌که شخص می‌ترسید که اگر به سوی مسجد بیرون رود بیمار می‌شود، یابیماری موجود وی شدت می‌یابد.

۳ـ اگر در راه گِل سختی بود.

۴ـ اگر هوا سخت تاریک بود.

۵ـ اگر شب بود و باد سختی می‌وزید[1].

۶ـ اگر شخص مریض بود.

۷ـ اگر شخص نابینا بود.

۸ـ اگر شخص پیرمرد فرتوتی بود که توانائی پیاده رفتن به مسجد را نداشت.

۹ـ اگر شخص؛ پرستار بیماری بود و به امور وی می‌پرداخت.

۱۰ـ اگر شخص؛ تحت فشار پیشاب یامدفوع خویش بود.

---

۱ ـ وزیدن باد سخت در روز عذر شمرده نمی‌شود.

۱۱ـاگر شخص؛ زندانی بود، چه به خاطر حق کسی زندانی گردیده بود و چه بدون حق.

۱۲ـاگر هردو پای شخص یایکی از دو پای آن قطع شده بود.

۱۳ـاگر شخص دارای درد و علّتی بود که باآن توان راه رفتن را نداشت، همچون فلج بودن.

۱۴ـاگر غذا در نزد شخص حاضر گردیده بود، و اوگرسنه بود و به غذا میل داشت.

۱۵ـاگر شخص برای سفر آمادگی می‌گرفت.

۱۶ـاگر شخص از ضایع شدن مالش در صورت مشغول شدن به جماعت بیم داشت.

۱۷ـاگر شخص از به راه افتادن قطار یاپرواز کردن هواپیما در صورت مشغول شدن به جماعت بیم داشت.

شرطهای صحت امامت

برای صحت امامت شرط است که امور آتی در امام فراهم بوده باشد:

۱ـاینکه امام مرد باشد، پس امامت زنان برای مردان صحیح نیست.

۲ـاینکه امام مسلمان باشد، پس امامت کافر به هیچ حالی صحیح نیست.

۳ـاینکه امام بالغ باشد، پس امامت کودک صحیح نیست.

۴ـاینکه امام عاقل باشد، پس امامت دیوانه صحیح نیست.

۵ـ اینکه امام برقرائتی که برای صحت نماز لازم است قادر باشد، پس امامت و پیشنمازی فرد عامی و بیسوادی که قادر بر قرائت نیست برای کسی که خود به قرائت آشنا است صحیح نیست.

۶ـ اینکه امام فاقد شرطی از شرطهای نماز ـ همچون طهارت و پوشیدن عورت ـ نباشد.

۷ـ اینکه امام از عذرها سالم باشد، همچون خونریزی دائم بینی، و سلسل‌البول (خروج بی‌اختیار پیشاب)، و انفلات الریح (خروج بی اختیار باد شکم از وی).

۸ـ اینکه امام صحیح اللّسان بوده و زبانی الکن نداشته باشد، به گونه‌ای که حروف را بر وجه صحیح آن نطق و تلفظ نموده بتواند.

پس امامت شخصی که «راء» را ـ مثلاً ـ به «غین» تبدیل می‌کند، یا «لام» و «سین» رامثلاً به «ثاء»؛ برای شخصی که بر نطق کردن به حروف بر وجه صحیح آن قادر است، صحیح نیست.

چه کسی در امامت حق تقدم دارد؟

سلطان (خلیفه، رئیس جمهور، حاکم) و نائب آن سزاوارتر به امامت هستند.

امام موظّف در یک مسجد سزاوارتر به امامت در همان مسجد بخصوص است.

صاحب منزل سزاوارتر به امامت است؛ اگر چنانچه صلاحیت امامت را

داشت، و جماعت در منزل وی برپا می‌گردید.

پس اگر در میان حاضران؛ سلطان، یانائب آن، یاامام موظف درمحل، یا صاحب منزل نبود، در این صورت سزاوارترینَ مردم به امامت؛ داناترین ایشان است به احکام نماز از روی صحت و فساد.

پس از آن سزاوارترینَ مردم به امامت، بیشترین ایشان است در حفظ قرآن کریم به همراه علم به احکام نماز.

پس از آن، حق تقدم با پرهیزگارترین ایشان است.

و سپس بزرگ سال ترین ایشان.

پس اگر در علم و حفظ قرآن وپرهیزگاری و سنّ باهم برابر بودند؛ کسی به ایشان نماز بگزارد که قوم (مقتدیان اهل محل) اورا انتخاب کرده اند.

واگر قوم (مقتدیان اهل محل) دراین مورد اختلاف پیدا کردند؛ کسی به ایشان نماز بگزارد که اورا اکثریت آنان انتخاب کرده باشند، واگر اکثریت فردی را انتخاب کردند که سزاوارترین کس به این کار نبود، پس محققاً کار بدی کرده اند.

مواضع کراهیت در امامت و جماعت

۱ـ مکروه است امامت فاسق.

۲ـ مکروه است امامت شخص بدعتی.

۳ـ مکروه است امامت نابینا، مگر در صورتی که آن نابینا بهترین فرد آن قومی باشد که جماعت را تشکیل داده‌اند، پس در این صورت امامت آن مکروه

نیست.

۴ـ مکروه است امامت جاهل به همراه وجود عالم، خواه آن فرد جاهل شخصی صحرانشین و بدوی باشد، یا شخصی شهرنشین.

۵ـ مکروه است امامت کسی که مردم از او به جهت نقص و کمبودی که در وی وجود دارد؛ کراهت دارند.

۶ـ مکروه است طولانی‌تر خواندن نماز از مقدار سنّت.

۷ـ مکروه است جماعت کردن زنان به تنهائی، با این حال اگر زنان به جماعت نماز گزاردند، امام در میانهٔ ایشان بایستد.

۸ـ مکروه است حضور زنان در جماعت در این زمانه، به جهت فراگیری و شیوع فتنه و فساد.

محل ایستادن مقتدی و ترتیب صفها

اگر چنانچه به همراه امام فقط یکنفر مقتدی بود، چه این مقتدی مردی بالغ باشد یا کودکی مُمَیِّز، پس این مقتدی به جانب راست امام ـ اندکی دنبال تر از او ـ بایستد.

اگر به همراه امام دو مرد یابیشتراز آن بودند، آنها پشت سر امام بایستند.

و اگر مردان، زنان، کودکان، وافراد خنثی باهم جماعت کردند، دراول مردان صف ببندند، سپس کودکان، سپس خنثایان، و سپس زنان.

لازم است تابهترین قوم در صف اول بایستند تا اگر امام بی وضوء گردید،

آنها اهلیت امامت را داشته باشند.

اگر در میان قوم جز یک تن کودک دیگر کودکی نبود، او هم در صف مردان درآید.

اما اگر کودکان متعددی بودند، صفی در پشت صف مردان قرارداده شوند، و صفهای مردان با آنان کامل ساخته نشود.

اگر کسی به نماز آمد وامام را در حال رکوع یافت، پس اگر در صفها گشاده گی‌ای بود او در خارج از صف تکبیر تحریمه نگوید، بلکه در صف بایستد و در آن تکبیر تحریمه بگوید، اگرچه که آن رکعت از او فوت می‌شد.

شرطهای صحت اقتداء

اقتداء کردن به امام باشرطهای آتی صحت می‌یابد:

۱ـ اینکه مقتدی در هنگام گفتن تکبیر تحریمه متابعت امام را نیّت نماید.

۲ـ اینکه امام حداقل به اندازهٔ دو پای خویش از مقتدی جلوتر باشد.

۳ـ اینکه امام در مرتبهٔ پایین‌تر از مقتدی قرار نداشته باشد، پس اقتداء صحیح نمی شود اگر چنانچه امام نماز نافله را می‌خواند ومقتدی نماز فرض را. اما اقتداء صحیح می‌شود اگر امام نماز فرض را می‌خواند ومقتدی نماز نفل را.

۴ـ اینکه امام و مقتدی هردو نماز فرض وقت واحدی را بگزارند، پس اقتداء صحیح نیست اگر چنانچه امام ـ مثلاً ـ نماز ظهر را می‌خواند و مقتدی نماز عصر را، یا باالعکس.

۵ـ اینکه در میان امام و مقتدی صفی از زنان نباشد.

۶ـ اینکه در میان امام و مقتدی رودخانهٔ جداسازنده‌ای که در آن قایق عبور می‌کند فاصله نباشد.

۷ـ اینکه در بین امام و مقتدی راهی نباشد که درآن ماشین یاگاری عبور می‌کند.

۸ـ اینکه در بین امام و مقتدی چیزی نباشد که به سبب آن انتقالات امام بر مقتدی پوشیده بماند، پس اگر انتقالات امام بر مقتدی با شنیدن از امام یا دیدن وی مشتبَه و پوشیده نمی گردید، اقتداء وی صحیح است.

اقتداءکردن شخص باوضوء به امامی که باتیمّم نماز می‌گزارد صحیح است.

اقتداء کردن کسی که پاهای خویش را شسته است به امامی که بر موزه‌های خویش مسح نموده است صحیح است.

اقتداء کردن کسی که ایستاده نماز می‌گزارد به امامی که نشسته نماز می‌گزارد صحیح است.

اقتداء کردن شخص راست قامت به امام کوژپشت صحیح است.

اقتداء کردن شخصی که بااشاره نماز می‌خواند به امامی که مانند وی به اشاره نماز می‌خواند صحیح است.

اگر نماز امام به سببی از اسباب فاسد گردید، نماز مقتدی ها نیز فاسد می‌شود، و برامام واجب است که نماز خویش را عود نموده وفساد نماز خویش را اعلان نماید تامقتدی هانیز نمازهاشان را عود کنند.

چه وقت مقتدی از امامش پیروی کند و چه وقت از وی پیروی نکند؟

اگر امام قبل از آنکه مقتدی از تشهّد فارغ شود برای رکعت سوم برخواست، مقتدی در ایستادن او را پیروی ننموده بلکه تشهّد خویش را تکمیل نماید، و سپس برخیزد.

اگر امام قبل از آنکه مقتدی از تشهّد فارغ شود سلام داد، مقتدی از وی پیروی ننماید، بلکه تشهّد را تکمیل نموده آنگاه سلام دهد.

اگر امام سجده‌ای را زیاد نمود، مقتدی اورا در سجدهٔ افزوده شده پیروی ننماید.

اگر امام بعد از قعدهٔ اخیر سهواً ایستاد، مقتدی اورا در ایستادن پیروی ننماید.

اگر امام رکعت افزوده شده را باسجده ای مقید و همراه ساخت، مقتدی خود به تنهایی سلام دهد.

اگر امام قبل از قعدهٔ اخیر سهواً ایستاد، پس مقتدی اورا پیروی ننموده بلکه تسبیح بگوید تاامام را متوجه سهوش بسازد، و آنگاه بازگشت وی را به قعده انتظار بکشد.

پس اگر امام رکعت افزوده شده را باسجده‌ای مقید و همراه نمود، مقتدی خود به تنهایی سلام بدهد، و اگر مقتدی قبل از آنکه امام رکعت افزوده شده را به سجده‌ای مقید سازد؛ سلام داد، فرض آن باطل شده است.

اگر امام قبل از آنکه مقتدی تسبیحات سه گانه‌اش را تکمیل نماید، سرش را از رکوع یاسجده بلند کرد، مقتدی باید از او پیروی نموده وتسبیح را ترک کند.

برای مقتدی، سلام دادن قبل از امام خویش مکروه است.

پس اگر مقتدی قبل از آنکه امامش از تشهد فارغ شود سلام داد، نمازش فاسد شده است.

احکام سُتره

رسول خداﷺ فرموده است: «اِذَا صَلّٰی اَحَدَکُمْ فَلْیُصَلِّ اِلٰی سَتْرَةٍ، وَلْیُدْنِ مِنْهَا ـ هرگاه یکی از شما نماز می‌خواند، پس باید نماز بخواند بسوی سُتره‌ای، و باید به آن سُتره نزدیک شود». (به روایت ابو داؤد)

سُتره چیزی است که نماز گزار آنرا جلو خویش می‌نهد ـ اعم از چوبی یاغیر آن ـ تا اینکه نمازش را عبور گذرنده‌ای از جلو آن مختل نگرداند.

برای امام مستحب است که در جلو خویش سُتره‌ای را قرار دهد، اگر چنانچه در مکانی بود که عبور و مرور درآن بسیار انجام می‌گرفت.

مقتدی نیازی به گرفتن سُتره ندارد، زیرا سُترهٔ امام سُترهٔ مقتدی نیز هست.

و برای نماز گزار مستحب است که نزدیک به سُتره بایستد.

و مستحب است که نمازگزار از جانب راست یاچپ سُتره بایستد، و روبروی آن قرار نگیرد.

و شرط در سُتره این است که به درازای یک گز یا بلندتر از آن باشد.

و نیز شرط است که سُتره به درشتی انگشت یا ضخیم تر از آن باشد.

احکام عبور از جلوی روی نمازگزار

عبور از جلوی روی نمازگزار از موضع هردو پا تا جای سجده آن جواز ندارد، اگر چنانچه نماز گزار در مسجد بزرگی نماز می‌خواند.

همچنین عبور کردن از جلوی روی نمازگزار از جای هردو پا تاجای سجدهٔ آن جواز ندارد، اگر چنانچه نمازگزار در میدانی باز نماز می‌خواند.

و عبور کردن از جلوی روی نمازگزار از جای هردو پای آن تادیوار قبله جواز ندارد، اگر چنانچه نماز گزار در مسجدی کوچک، یادرخانه‌ای کوچک نماز می‌خواند.

و همچنین برای نمازگزار جواز ندارد که نماز خویش را در معرض عبور مردم از جلوی روی خویش قرار دهد، مثل اینکه بدون سُتره در مکانی نماز بخواند که در آن عبور و مرور بسیار انجام می‌گیرد.

اگر کسی از جلوی روی نماز گزار عبور کرد، برای نماز گزار جائز است که عبور کننده را بااشاره، یابا تسبیح گفتن دفع نماید.

همچنین برای نماز گزار جائز است که عبور کننده را با بلند کردن صدای خویش به قرائت دفع نماید.

و برای نماز گزار سزاوار نیست که عبور کننده را با دستان خویش دفع کند.

و زن؛ عبورکننده را بااشاره، یاباکف زدن دفع کند، ولی جهت دفع کردن عبور کننده صدای خویش را به قرائت بلند نگرداند.



چه وقت قطع کردن نماز واجب و چه وقت جائزاست؟

برای نمازگزار جایز نیست که نماز خویش را بعد از شروع کردن در آن بدون عذر شرعی قطع کند.

برای نمازگزار جایز نیست که نماز خویش را قطع کند، اگر چنانچه پدر یا مادرش او را صدا زدند.

بر نمازگزار واجب است که نماز خویش را قطع کند اگر نابینائی را دید که در شرف افتادن به چاه یا به‌گودالی است و ترسید که اگر اورا راهنمائی نکند در چاه یا گودال می افتد.

بر نمازگزار واجب است که نماز خویش را قطع کند اگر مظلومی او را به فریادرسی خواند و اوهم بر دفع کردن ظلم از آن قادر بود.

و برای نمازگزار جایز است، که نماز خویش را قطع کند اگر دزدی را دید که مالی را که مساوی با یک درهم[1] است می‌دزدد، خواه آن مال از خود وی بود یا از دیگری.

و برای مسافر جواز دارد که نماز خویش را به تأخیر اندازد اگر چنانچه از دزدان می ترسید.



۱- درهم: مساوی با تقریباً سه گرام از نقره است.

نماز وتر

رسول خدا ﷺ فرموده است: «اَلْوِتْرُ حَقٌّ، فَمَنْ لَمْ يُوْتِرْ فَلَيْسَ مِنَّا - وتر حق است، پس کسی که وتر را نگزارد از ما نیست». (به روایت ابو داؤد)

نماز وتر واجب است.

اگر نماز وتر را به فراموشی یابه قصد ترک کرد، قضاء آوردن آن بروی واجب است.

نماز وتر سه رکعت است بایک سلام دادن.

نماز وتر بعد از فراغت از سنت عشاء خوانده می‌شود.

جواز ندارد که شخص به همراه داشتن قدرت بر ایستادن نماز وتر رانشسته بخواند.

همچنین جواز ندارد که نماز وتر را سوار بر مرکب بخواند، مگر اینکه دارای عذری باشد.

واجب است که نماز گزار در هر رکعتی از نماز وتر فاتحه وسوره ای را بخواند، چنانکه در نوافل انجام می‌دهد.

بعد از خواندن دو رکعت از وتر برای تشهد بنشیند.

و در قعدهٔ اول بر تشهد نیفزاید.

وقتی به سوی رکعت سوم برخواست نه ثناء ﴿سُبْحَانَکَ اللّٰهُمَّ﴾ را بخواند و نه ﴿اَعُوْذُ بِاللهِ ...﴾ را.

و چون از قرائت سوره در رکعت سوم فارغ شد، براو واجب است که دستهای خویش را به برابر هردوگوش خویش بالا برده و تکبیر بگوید، چنانکه در هنگام

افتتاح نماز چنین می‌کند، سپس قبل از رکوع در حالی که ایستاده است قنوت را بخواند.

قنوت[۱] واجب است در وتر، در تمام سال.

هریک از امام، مقتدی، و منفرد (تنها گزار) آهسته قنوت را بخوانند.

سنت است که در قنوت دعایی را بخواند که از حضرت عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه نقل شده است، وآن دعاء این است:

«اَللّٰهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِيْنُکَ، وَنَسْتَغْفِرُکَ، وَنُؤْمِنُ بِکَ، وَنَتَوَکَّلُ عَلَيْکَ، وَنُثْنِیْ عَلَيْکَ الْخَيْرَ، وَنَشْکُرُکَ، وَلاَ نَکْفُرُکَ، وَنَخْلَعُ، وَنَتْرُکُ مَنْ يَفْجُرُکَ. اَللّٰهُمَّ إِيَّاکَ نَعْبُدُ، وَلَکَ نُصَلِّیْ، وَنَسْجُدُ، وَإِلَيْکَ نَسْعٰی، وَنَحْفِدُ، وَنَرْجُوْا رَحْمَتَکَ، وَنَخْشٰی عَذَابَکَ، إِنَّ عَذَابَکَ بِالْکُفَّارِ مُلْحِقٌ»[۲].

هرکس که بر خواندن قنوت مأثوره قدرت ندارد، این دعارا بخواند: «رَبَّنَا آتِنَا فِی الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»[۳].

۱ـ قنوت: دعا وثناء برخدای متعال است.

۲ـ ای بار خدایا! ما از تو یاری می‌جوئیم، واز تو آمرزش می‌خواهیم، وبه تو ایمان می‌آوریم، وبر تو توکل می‌کنیم، وتو را به خیر می‌ستائیم، وتورا سپاس می‌گوئیم، وتو را ناسپاسی نمی کنیم، ودست برمی‌داریم وترک می‌کنیم کسی راکه تو را باگناهان مخالفت می‌کند.ای بار خدایا! ما فقط تو را می‌پرستیم، وفقط برای تو نماز می‌گزاریم، و فقط تورا سجده می‌کنیم، وبه سوی تو سعی و شتاب می‌نمائیم، ورحمت تورا امید می‌داریم، واز عذاب تو می‌ترسیم، بی‌گمان عذاب تو به کفار پیوستنی است.

۳ـ پروردگارا! به ما در دنیا حسنه بده ودر آخرت نیز حسنه عنایت کن، وما را از عذاب دوزخ نگه دار.

یابگوید «اَللّٰهُمَّ اغْفِرْلِیْ»[۱] سه بار.

یا بگوید «یَارَبِّ»[۲] سه بار.

اگر نمازگزار خواندن قنوت را فراموش کرد و آن را در حالت رکوع به یاد آورد، در رکوع قنوت نخواند.

و جهت خواندن قنوت به سوی قیام نیز برنگردد، بلکه بعد از سلام سجده سهو انجام دهد، زیرا او واجبی را به فراموشی ترک نموده است.

و همچنین اگر قنوت را بعد از بالا بردن سر خویش از رکوع به یاد آورد، قنوت نخواند، بلکه بعد از سلام سجدهٔ سهو انجام دهد.

اگر قنوت را بعد از ایستادن از رکوع خواند، رکوع را عود نکند و لیکن سجدهٔ سهو انجام دهد، زیرا او قنوت را از محل آن به تأخیر افکنده است.

اگر امام قبل از فراغت مقتدی از خواندن قنوت به رکوع رفت مقتدی از وی پیروی نکند، بلکه قنوت را تکمیل نموده سپس با وی در رکوع مشارکت نماید.

اما اگر از فوت شدن رکوع به همراه امام بیم داشت، از امامش پیروی نموده و قنوت را ترک کند.

اگر امام قنوت را ترک کرد، مقتدی قنوت را بخواند، در صورتی که برای وی امکان داشت تا با امام در رکوع مشارکت نماید.

و اگر از فوت شدن رکوع به همراه امام بیم داشت، از امامش پیروی نموده و قنوت را ترک نماید.

۱ـ ای بار خدایا! بر من ببامرز.

۲ـ ای پروردگارمن.

قنوت را در غیر نماز وتر نخواند مگر در نوازِل[۱].

خواندن قنوت نوازل برای امام مسنون است، بعد از بالا نمودن سر از رکوع، نه برای منفرد (تنها گزار).

برای امام لازم است تا در نوازل این قنوت را بخواند، و او می تواند که آنچه را به سنت ثابت شده است برآن بیفزاید:

«اَللّٰهُمَّ اهْدِنَا بِفَضْلِکَ فِیْ مَنْ هَدَیْتَ، وَعَافِنَا فِیْ مَنْ عَافَیْتَ، وَتَوَلَّنَا فِیْ مَنْ تَوَلَّیْتَ، وَبَارِکْ لَنَا فِیْ مَا اَعْطَیْتَ ، وَقِنَا شَرَّ مَا قَضَیْتَ، فَاِنَّکَ تَقْضِیْ وَلاَ یُقْضٰی عَلَیْکَ، اِنَّهُ لاَ یَضِلُّ مَنْ وَالَیْتَ، وَلاَ یَعِزُّ مَنْ عَادَیْتَ، تَبَارَکْتَ رَبَّنَا وَتَعَالَیْتَ، وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ، وَآلِهِ، وَ صَحْبِهِ وَسَلَّمْ »[۲].

اگر مسبوق امامش را در رکوع رکعت سوم دریافت، او ـ حکماً ـ دریابندهٔ قنوت است، بنابراین آنگاه که برای تمام کردن نماز خویش برخواست، قنوت را نخواند.

۱ـ نوازل : شدائد وسختیهای روزگار است.

۲ـ ای بار خدایا! هدایت کن ما را به فضل خویش در زمرهٔ آنانی که هدایت شان کرده‌ای، و عافیت بخش مارا در زمرهٔ آنانی که عافیت شان بخشیده‌ای، و یاری وکارسازی کن مارا در زمرهٔ آنانی که یاری وکارسازیشان کرده ای، وبرای ما برکت نه در آنچه که به ما ارزانی فرموده‌ای، ومارا نگهدار از شر آنچه که برآن حکم وقضاء فرموده ای، زیرا این تو هستی که حکم می‌کنی وبر تو هیچ حکمی نمی رود، بیگمان خوار و ذلیل نمی شود کسی که تو از او پشتیبانی نمائی، وعزیز وغالب نمی شود کسی که تو با او دشمنی نمائی، بزرگ وبابرکت هستی ای پروردگار ما، وبلند وبرتر هستی ای پروردگار ما، و درود خداوند بر سالار ما محمد(ص) واولاد ویارانش وسلامتی وی باد.

برگزاری نماز وتر باجماعت در رمضان بهتر از ادای آن به تنهایی در آخر شب است.

و جماعت وتر در غیر رمضان مکروه است.

نماز های سنّت

عبارت اند از نمازهایی که رسول خداﷺ آنها را افزون بر آنچه که خدای متعال فرض کرده است می‌خواندند، تا به وسیلهٔ آنها به خدای سبحان تقرب جویند، و آن حضرتﷺ بر بعضی از این نمازها مداومت و مواظبت می‌کردند، و بعضی از آنهارا احیاناً ترک می‌نمودند.

پس نماز هایی که رسول خداﷺ برآنها مواظبت نموده اند، سنتهای مؤکده نامیده می‌شوند.

و نمازهایی که احیاناً آنها را خوانده اند، وگاهی هم آنهارا ترک نموده اند به نام سنتهای غیر مؤکده، یا (مندوب = مستحب) نامیده می‌شوند.

سنتهای مؤکده

۱ـ دو رکعت قبل از فرض بامداد.

۲ـ چهار رکعت بایک سلام قبل از فرض ظهر.

۳ـ دو رکعت بعد از فرض ظهر.

۴ـ دو رکعت بعد از فرض مغرب.

۵ـ دو رکعت بعد از فرض عشاء.

۶ـ چهار رکعت بایک سلام قبل از فرض جمعه.
۷ـ چهار رکعت بایک سلام بعد از فرض جمعه[۱].

سنتهای غیر مؤکده

عبارت اند از:
۱ـ چهار رکعت قبل از فرض عصر.
۲ـ شش رکعت بعد از نماز مغرب.
۳ـ چهار رکعت قبل از فرض عشاء.
۴ـ چهار رکعت بعد از نماز عشاء.

نماز های سنت همچون نماز های فرض خوانده می‌شوند، مگر اینکه در هررکعت از رکعتهای نفل[۲] به همراه سورهٔ فاتحه سوره‌ای دیگر نیز ضمیمه می‌گردد[۳].

اگر نماز نافله‌ای را بیشتر از دو رکعت خواند، و جز در آخر آن به قعده ننشست، نفل آن صحیح است ـ به همراه کراهیت.

مکروه است اینکه بیشتر از چهار رکعت نفل در روز با یک سلام، خوانده شود.

۱ـ وامام ابو یوسف رحمه الله برآن است که سنت بعد از فرض جمعه، شش رکعت است.

۲ـ اصطلاح نفل در این کتاب اغلب شامل نمازهای سنّت و نفل هردو می‌شود.

۳ـ به اصطلاح پُر خوانده می‌شود.

مکروه است اینکه در شب بیشتر از هشت رکعت نفل با یک سلام، خوانده شود.

بهتر در نزد امام ابوحنیفه﵀ این است که چهار رکعت از نوافل با یک سلام خوانده شود، هم در شب و هم در روز.

اما بهتر در نزد امام ابو یوسف﵀ و امام محمد﵀ این است که نمازهای نوافل در شب دو دو رکعت و در روز چهار چهار رکعت خوانده شود.

طولانی ساختن قیام و قرائت، بهتر از بسیار ساختن رکعتهای نافله است.

نافله گزاردن در شب بهتر از نافله گزاردن در روز است.

نماز های مستحب، و شب زنده داری[۱]

برای کسی که به مسجد در آمده است مستحب است اینکه قبل از نشستن درآن دو رکعت نماز بگزارد، واین نماز به نام نماز تحیّهٔ مسجد نامیده می‌شود.

و اگر بعد از نشستن هم دورکعت گزارد باکی نیست.

و اگر بدنبال در آمدن به مسجد نماز فرض را خواند، یانماز دیگری را خواند، و به آن نیّت تحیّهٔ مسجد رانکرد، این نماز جای تحیّهٔ مسجد را از جانب وی می‌گیرد، وکافی است.

۱ـ معنای زنده داشتن شبها این است که انسان در بیشتر وقت آنها به طاعت خدای عزوجل مشغول باشد ـ اعم از نماز، تلاوت قرآن، و ذکر خداوند ﷻ.

وگزاردن دو رکعت بعد از وضوء، قبل از خشک شدن آب از اعضاء مستحب است، و این نماز؛ تحیّهٔ وضوء نامیده می‌شود.

وگزاردن چهار رکعت در وقت چاشت مستحب است، و هرچه می‌خواهد تا دوازده رکعت برآن بیفزاید، و این نماز؛ نماز ضُحٰی نامیده می‌شود.

و مستحب است نماز استخاره، و آن دو رکعت است.

و مستحب است نماز حاجت، و آن دو رکعت است.

و مستحب است زنده داشتن شبهای دههٔ اخیر از رمضان.

و مستحب است زنده داشتن دو شب عید فطر و عید اَضْحٰی.

و مستحب است زنده داشتن ده شب اول ماه ذی الحِجّه.

و مستحب است زنده داشتن شب نیمهٔ شعبان.

مکروه است اجتماع نمودن برای زنده داشتن شبی از این شبها، اگر چنانچه اجتماع بر اثر دعوت و فراخوانی از همدیگر بود[1].

اما اگر این اجتماع بدون دعوت وفراخوانی بود، پس باکی به آن نیست.

  

۱ـ خواه اجتماع در مسجد باشد یابه مکانی دیگر.

جدول نمازها

نمازها	سنت مؤکدهٔ قبلی	سنت غیرمؤکدهٔ قبلی	فرض	سنت مؤکدهٔ بعدی	واجب	ملاحظات
صبح	۲	۰	۲	۰		
ظهر	۴	۰	۴	۲	۰	فرض دو رکعت است در سفر
عصر	۰	۴	۴	۰	۰	فرض دو رکعت است در سفر
مغرب	۰	۰	۳	۲	۰	
عشاء	۰	۴	۴	۲	۳ ـ وتر	فرض دو رکعت است در سفر
جمعه	۴	۰	۲	۴	۰	خطبه قبل از نماز است
عیدین	۰	۰	۰	۰	۲رکعت در هرکدام از آنها	خطبه بعد از آنهاست
تراویح	۰	۰	۰	۲۰		قبل از وتر است در رمضان

نماز نشسته

فرض به‌طور نشسته ـ به همراه داشتن قدرت بر ایستادن ـ صحیح نیست.

و واجب به‌طور نشسته ـ به همراه داشتن قدرت بر ایستادن ـ صحیح نیست.

و نفل به طور نشسته ـ به همراه داشتن قدرت بر ایستادن ـ صحیح است.

هرکس نفل را بدون عذر نشسته خواند، پس برای او نصف مزد شخص ایستاده است.

و هرکس نماز نفل را با داشتن عذری نشسته خواند، پس برای او مانند مزد شخص ایستاده است.

کسی‌که نشسته نماز می‌خواند، پس باید مانندنشستن‌خویش برای تشهّد، بنشیند.

اگر نفل را ایستاده افتتاح کرد، برای او جواز دارد که آن را نشسته تکمیل نماید، بدون کراهت.

نماز بر بالای مرکب

نماز فرض بر پشت مرکب صحیح نیست.

و نماز واجب بر پشت مرکب صحیح نیست.

بنابراین نماز وتر، و نماز نذْر، و قضاء آوردن نماز نافله‌ای که آن را بعد از شروع کردن در آن فاسد گردانیده است، بر پشت مرکب جائز نیست.

اگر نمازگزار دارای عذری بود، مانند اینکه در صورت فرود آمدن از مرکب بر

زمین از دشمنی می‌ترسید.

یا از درنده‌ای از درندگان می‌ترسید.

یا از رمیدن و سربرداشتن مرکب خویش می‌ترسید.

یا آن مکان گِل آلود بود.

پس در همهٔ این صورتها، نماز خواندن وی بر بالای مرکب صحیح است، خواه نماز وی نماز فرض باشد یا نماز واجب، و همچنین اگر کسی را نمی یافت که او را بر مرکب سوار کند، و او خود هم به تنهائی توانائی سوارشدن برآنرانداشت، نماز فرض و واجب وی بر بالای مرکب صحیح است.

گزاردن سنتهای مؤکده بر بالای مرکب جواز دارد، مگر او باید برای گزاردن سنت بامداد فرود آید، زیرا سنت بامداد از غیر خود مؤکّدتر است.

اگر در خارج از شهر بربالای مرکب نماز می‌خواند، به هر جهتی که مرکب وی روی آورد، بااشاره نماز بگزارد.

نماز در کشتی

خواندن نماز فرض بر کشتی روان و درحال حرکت، به‌طور نشسته بدون عذر ـ در نزد امام ابوحنیفه ﷺ ـ صحیح است.

و نماز فرض بر کشتی روان و در حال حرکت ـ در نزد دو امام؛ ابو یوسف و محمد(رحمهاالله) ـ بدون عذر صحیح نیست.

نماز در کشتی با اشاره صحیح نمی شود، برای کسی که بر رکوع کردن

و سجده کردن قادر است.

اگر کشتی به ساحل و لنگرگاه بسته بود، درآن نماز خواندن به‌طور نشسته به همراه داشتن قدرت بر ایستادن جواز ندارد.

اگر شخص بر بیرون شدن از کشتی قادر نبود، نماز وی در کشتی جواز دارد ـ خواه کشتی به لنگرگاه بسته بود یا روان.

نماز در قطار و هواپیما

گزاردن نماز فرض و واجب در قطار در حال حرکت، و هواپیمای در حال پرواز، نشسته بدون داشتن عذر ـ بر مذهب امام ابوحنیفه﵀ ـ صحیح است.

و گزاردن نماز فرض و واجب در قطارَ در حال حرکت و هواپیمای در حال پرواز، نشسته بدون داشتن عذر ـ در نزد اکثر ائمه ـ صحیح نیست، مگر در صورتی‌که شخص دارای عذری ـ مثلاً ـ همچون دوران سر باشد.

همچنین اگر چنانچه قطار در حال حرکت شدیدی است، بگونه‌ای که ایستادن بر آن دشوار است، نماز به‌طور نشسته در آن صحت دارد.

اگر شخص به طور ایستاده در میان دو صندلی قطار نماز خواند، و بر یکی از آن دو صندلی سجده کرد، نماز وی صحیح است اگر چنانچه امکان سجده کردن برای وی بر کف قطار وجود نداشت.

اما اگر قطار ایستاده بود، پس در نزد تمام ائمه، نماز نشسته بدون عذر در آن جواز ندارد.

همچنین اگر هواپیما برزمین ایستاده بود، بدون داشتن عذری نماز به طور نشسته درآن جواز ندارد.

اگر در قطار یا هواپیما رو به سوی قبله به نماز خویش شروع کرد، سپس قطار یا هواپیما به سوی جهت دیگری متحوّل گردید، او نیز به سوی قبله دور زند ـ اگر چنانچه بر دور زدن قادر بود.

و اگر بر دور زدن قادر نبود، یا به دور زدن قطار یا هواپیما آگاه نگردید، نماز آن جایز است.

نماز تراویح

رسول خداﷺ فرموده است: «مَنْ قَامَ رَمَضَانَ اِیْمَاناً وَاِحْتِسَاباً غُفِرَ لَهُ مَاتَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ ـ هرکس رمضان را از روی ایمان و به قصد قربت الی‌الله ایستاد، آمرزیده می‌شود برای وی آنچه که گذشته است از گناهان وی».

(به روایت بخاری ومسلم)

نماز تراویح سنت عینی مؤکده‌ای است، هم بر مردان و هم بر زنان.

نماز تراویح همراه با جماعت، سنت کفایه است برای اهل محله[1].

نماز تراویح بیست رکعت است باده سلام.

۱ـ معنای سنت کفایه این است که اگر بعضی از اهل محله با جماعت نماز خواندند، طلب آن از بقیه ساقط است، ولیکن اگر اهل محله همه‌گی جماعت را ترک کردند، همهٔ آنان گنه کار هستند.

وقت تراویح بعد از نماز عشاء است تا طلوع بامداد.

مقدم ساختن نماز تراویح بر نماز وتر مستحب است.

و مقدم ساختن نماز وتر بر نماز تراویح صحیح است، لیکن مقدم ساختن تراویح بر وتر بهتر و سزاوارتر می‌باشد.

به تأخیر انداختن نماز تراویح تا ثلث (یک سوم) شب مستحب است، و همچنین تا نیمهٔ شب.

و به تأخیر انداختن تراویح تا بعد از نیمه شب مکروه نیست.

نشستن بعد از هر چهار رکعت، به اندازهٔ چهار رکعت، برای استراحت مستحب است.

و همچنین نشستن بین ترویح پنجم و نماز وتر مستحب است.

یکبار قرائت تمام قرآن‌کریم در نماز تراویح در ماه رمضان سنت است.

پس قرائت تمام قرآن کریم به جهت کسالت و تنبلی قوم، در رمضان ترک کرده نشود.

و درود خواندن بر رسول خدا ﷺ در هر تشهّد درنماز تراویح ترک کرده نشود، اگرچه قوم ملول و خسته شوند.

همچنین ثناء ﴿سُبْحَانَکَ اللّٰهُمَّ﴾، وتسبیحات رکوع، وتسبیحات سجده ترک کرده نشود، اگر چه قوم ملول و خسته شوند.

و دعاء بعد از درود بر رسول خدا ﷺ، ترک کرده شود اگر چنانچه قوم به آن ملول می‌شدند، و لیکن بهتر آن است که جهت به جای آوردن سنت دعاء

کوتاهی خوانده شود.

نماز تراویح قضاء آورده نمی شود، نه به جماعت و نه به تنهائی.

نماز مسافر

خدای متعال فرموده است: ﴿ وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ ـ و چون در زمین سفر کردید پس برشما گناهی نیست که نماز را کوتاه سازید ﴾. (سورهٔ نساء- ۱۰۱)

و بخاری و مسلم از انس ﷺ روایت کرده اند که فرمود: « با رسول خدا ﷺ از مدینه به سوی مکه بیرون آمدیم، پس آن حضرت دو دو رکعت نماز می‌گزاردند تا آنکه به مدینه باز گشتیم ».

کمترین مسافت سفری که در آن کوتاه کردن نماز واجب است، و خوردن روزهٔ رمضان در آن رخصت است؛ همانا سفری است که مسافت آن سه روز از کوتاه ترین روزهای سال با سیر متوسط بوده باشد، و سیر متوسط؛ پیاده رفتن، و راه پیمودن شتر است.

هرکس مسافت سه روز را مثلاً در یک ساعت بر مرکب سریع السیری چون قطار و هواپیما پیمود، کوتاه کردن نماز بر او واجب است.

کوتاه کردن نماز بر مسافر واجب است.

هرکس نماز خود را در سفر تمام خواند پس محققاً کار بدی کرده است.

مسافر نمازها را در فرض ظهر، و عصر، و عشاء کوتاه گرداند.

پس فرض را در این اوقات بجای چهار چهار رکعت، دو دو رکعت بخواند.
اما در نماز بامداد و نماز مغرب، نماز را کوتاه نگرداند.

شرطهای صحت نیّت سفر

برای صحت نیّت سفر سه چیز شرط است:
۱ـ اینکه شخصی که نیّت سفر را کرده است بالغ باشد.
پس اگر او کودکی نابالغ بود، کوتاه کردن نماز بر وی واجب نیست.
۲ـ اینکه شخصی که نیّت سفر را کرده است، در سفر خویش مستقل باشد.
پس کوتاه کردن نماز واجب نیست اگر چنانچه شخص تابع کسی بود که او نیّت کنندهٔ سفر نبود.
بناءً نیّت کردن زن در سفر به همراه شوهر اعتباری ندارد، اگر چنانچه شوهر وی نیّت سفر نکرده بود، زیرا زن تابع شوهر خویش است.
و نیّت سفر کردن خدمتکار اعتبار ندارد، اگر چنانچه مولای او نیّت سفر را نکرده بود، زیرا خدمتکار تابع رئیس و مولایش می‌باشد.
همچنین نیّت سفر کردن سپاهی اعتباری ندارد، اگر چنانچه فرمانده وی نیّت سفر نکرده بود، زیرا سرباز تابع فرمانده خویش است.
۳ـ اینکه مسافت سفر[۱] با سیر پیاده، کمتر از سه روز نباشد.

۱ـ مسافت سفر (۷۷) کیلومتر برآورد می‌شود، اما بعضی از متأخرین آن را به (۱۵) و بعضی (۱۸) و بعضی (۲۱)

چه‌وقت کوتاه کردن نماز را شروع نماید؟

کوتاه کردن نماز جواز ندارد مگر آنگاه که شخص مسافر از قریه بیرون شود و از آبادی های آن بگذرد.

و نیز کوتاه کردن نماز جواز ندارد مگر آنگاه که شخص مسافر از شهر بیرون رود و از فناء آن بگذرد[۱].

پس کوتاه کردن نماز به مجرد نیّت کردن سفر جواز ندارد؛ اگر چنانچه شخص از شهر یا قریه خارج نگردید.

همچنین کوتاه کردن نماز جواز ندارد اگر چنانچه شخص از خانه‌اش بیرون آمد و لیکن از فناء شهر یا آبادی های قریه نگذشت.

کوتاه کردن نماز در هر سفری جواز دارد، چه آن سفر، سفر طاعت بوده باشد همچون حج و جهاد، یا برای امر مباحی باشد همچون تجارت، یا برای امری که در آن معصیت است، همچون دزدی.

اگر مسافر نماز چهار رکعتی را کامل خواند و بعد از دو رکعت اول به قعده نشست نماز وی صحیح است، و دو رکعت اخیر نفل می‌گردد، و لیکن این نماز

فرسنگ فرموده اند، ولی فتوی به (۱۸) فرسنگ داده اند، و چون هر فرسنگ (۶) کیلومتر می‌باشد، پس جمعاً (۱۰۸) کیلومتر می‌شود، و فتوی بر این است.

۱ـ فناء شهر: همانا مکانی است که به شئون شهر اختصاص دارد؛ همچون گورستان، پایانهٔ مسافربری، میدان های ورزشی و غیره.

مکروه می‌باشد، به جهت آنکه نمازگزار سلام را از محلّ آن به‌تأخیر انداخته است.

اگر مسافر نماز چهار رکعتی را کامل خواند و بعد از دو رکعت اول به اندازهٔ تشهد ننشست نماز وی صحیح نیست، زیرا در نزد ما کوتاه کردن نماز در سفر حتمی است و رخصت نمی باشد.

مدت کوتاه کردن نماز

مسافر باید پیوسته فرض خویش را کوتاه گرداند تا آنگاه که از سفر باز می‌گردد و به شهر خویش داخل می‌شود.

وکوتاه کردن نماز ساقط می‌شود اگر چنانچه شخص برای مدت پانزده روز یا بیشتر از آن در قریه یا در شهری نیّت اقامت را نمود.

پس اگر نیّت اقامت را برای مدت کمتر از پانزده روز کرد، باید همچنان فرض خویش را کوتاه گرداند.

همچنین اگر نیّت اقامت را نکرد و سالها بدون نیّت اقامت در سفر باقی ماند، نماز را کوتاه گرداند.

اقتداءکردن مسافر به مقیم و عکس‌آن

اقتداء کردن مسافر به مقیم جواز دارد، و در این صورت مسافر به پیروی از امامش نماز خویش را به طور کامل - چهار رکعتی - بخواند.

و اقتداء کردن مقیم به مسافر نیز جواز دارد.

اگر مسافر در مقام امامت به اشخاص مقیم نماز گزارد؛ برای وی لازم است تا بعد از سلام دادن بگوید: «نماز خویش را تمام کنید، زیرا من مسافر هستم».

و بهتر این است که این جمله را هم قبل از شروع کردن در نماز و هم بعد از فارغ شدن از آن، دو بار بگوید.

آنگاه که شخص مقیم بعد از سلام دادن امام مسافر خویش برای تمام کردن نمازش برخواست، قرائت نخواند، بلکه نمازش را بدون قرائت تمام کند ـ مانند شخص لاحق.

اگر نماز چهار رکعتی را در سفر فوت کرد، باید دو رکعت قضاء آورد، چه آن را در سفر قضاء آورد، یا در حضر.

و اگر نماز چهار رکعتی را در حال اقامت فوت کرد، چهار رکعت قضاء آورد، چه آن را در سفر قضاء آورد یا در حضر.

اقسام وطن و احکام آن

وطن اصلی، باوطن اصلی، باطل می‌شود.

پس اگر شخص وطن اصلی خویش را ترک کرد و از آن به سوی سرزمینی دیگر منتقل گردید و در آن توطُّن گزید، سپس ـ به جهت امری از امور ـ به سوی وطن اول خویش باز گشت، در آن نماز خویش را کوتاه گرداند، زیرا که آنجا دیگر اکنون وطن اصلی او نیست.

وطن اقامت، با وطن اقامت دیگر باطل می‌شود.

و وطن اقامت با سفر کردن از آن باطل می‌شود.

و وطن اقامت با بازگشتن به وطن اصلی باطل می‌شود.

وطن اصلی: همانا جایی است که شخص در آن متوطّن گردیده است، خواه در آن ازدواج نموده باشد یا ازدواج ننموده باشد.

وطن اقامت: همانا جایی است که شخص در آن برای مدت پانزده روز یا بیشتر نیّت اقامت کرده است.

نماز مریض

خدای متعال فرموده است: ﴿ لاَیُکَلِّفُ اللّٰهُ نَفْساً اِلاّٰ وُسْعَهَا ـ مکلف نمی گرداند خداوند هیچ نفسی را مگر به اندازهٔ توان آن ﴾. (سورهٔ بقره ـ ۲۸۶)

و رسول خداﷺ برای عمران بن حُصَین فرمود: « صَلِّ قَائِماً، فَاِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَقَاعِداً، فَاِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَعَلَی الْجَنْبِ تُؤْمِیْ اِیْمَاءً ـ ایستاده نماز بگزار، پس اگر نتوانستی نشسته، و اگر نتوانستی به پهلو، اشاره می‌کنی به اشاره کردنی ».

(به روایت ابو داؤد)

ترک کردن نماز ـ حتی در حال بیماری ـ جواز ندارد.

و هرکس چنان بیمار بود که توانایی اداء نمودن ارکان نماز را به تمامی آن نداشت، پس همان ارکانی را اداء نماید که بر ادای آن‌ها قادر است.

بناءً بیماری که ایستاده نماز خوانده نمی‌تواند، نشسته با رکوع و سجده نماز

بخواند.

و بیماری که ایستادن برای آن ـ بخاطر دردی ـ سخت دشوار است، نشسته با رکوع و سجده نماز بخواند.

همچنین نشسته نماز بخواند اگر چنانچه از بروز مرض، یا ازدیاد مرضی، یا به تأخیر افتادن شفاء در صورت نماز گزاردن بطور ایستاده، بیم داشت.

همچنین نشسته نماز بخواند اگر چنانچه از رکوع کردن و سجده کردن یا از یکی از آنها عاجز بود، و رکوع و سجده را با اشاره اداء نماید.

هرکس با اشاره رکوع و سجده می‌کند، اشارهٔ خود برای سجده را پایین‌تر از اشارهٔ خود برای رکوع قرار دهد.

اگر اشارهٔ خود برای سجده را پایین‌تر از اشاره برای رکوع قرار نداد، نماز وی صحیح نمی شود.

و جواز ندارد اینکه چیزی بسوی روی خود بالا نموده و بر آن سجده نماید.

اگر شخص بیمار از نشستن عاجز گردید، افتاده بر پشت نماز بگزارد در حالی که پاهای آن بسوی قبله است، و هر دو زانوی خود را بالا نماید و سر خویش را بر بالشی بلند کند تا روی آن به سوی قبله گردد، و رکوع و سجده را با اشاره اداء نماید.

همچنین ـ اگر از نشستن عاجز گردید ـ جواز دارد که بر پهلوی خویش نماز بگزارد، و رکوع و سجده را با اشاره اداء نماید.

اشاره فقط در صورتی جانشین و نائب رکوع و سجده می‌گردد که با سر بوده

باشد.

اما اگر چنانچه اشاره باچشم، یا باابرو، یا باقلب بود؛ پس نماز آن صحیح نیست.

اگر شخص مریض از نماز گزاردن با اشارهٔ سر عاجز گردید، اداء نماز از وی به مدت یک شبانه روز به تأخیر می‌افتد، پس آن را بعد از آن که بر قضاء آوردن قادر گردید قضاء آورد، و آنچه که بر یک شبانه روز افزون گردید از وی ساقط است.

کسی که بر وی جنون یا بیهوشی عارض گردید و این بیهوشی و جنون تا بیشتر از پنج نماز ادامه یافت، این نماز ها از ذمهٔ وی ساقط است.

کسی که بر وی جنون یا بیهوشی عارض گردید و این بیهوشی یا جنون تا پنج نماز یا کمتر از آن ادامه پیدا کرد، بعداز آنکه به هوش آمد، این نمازهای خویش را قضاء آورد.

هرکس نماز خویش را ایستاده افتتاح کرد، سپس از ایستادن عاجز گردید، نشسته نماز بخواند ـ اگر چنانچه بر نشستن قادر بود، و اگر بر نشستن قادر نبود افتاده بر پشت با اشاره نماز بخواند.

قضاء آوردن نمازهای فوت شده

خدای متعال فرموده است: ﴿إِنَّ الصَّلٰوةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ كِتَاباً مُوْقُوْتاً ـ به تحقیق که نماز بر مؤمنان فریضهٔ زمانداری است﴾. (سورهٔ نساء ـ ۱۰۳)

واجب است ادای نمازها در اوقات آنها.

و تأخیر نماز از وقت آن بدون عذر جواز ندارد.

هرکس بروی عذری نماز را از وقت آن به تأخیر انداخت، قضاء آوردن آن براو، بعد از برطرف شدن آن عذر لازم است.

قضاء آوردن فرض، فرض است.

و قضاء آوردن واجب، واجب است.

و سنتها ونوافل قضاء آورده نمی‌شوند مگر آنگاه که بعد از شروع کردن در آنها فاسد ساخته شده باشند، که در این صورت قضاء آوردن آنها واجب است.

اگر سنت بامداد به همراه فرض آن از شخص فوت شد، آنرا همراه با فرض تا پیش از وقت زوال قضاء آورد.

و اگر سنت بامداد به تنهائی از وی فوت شد، آنرا قضاء نیاورد.

رعایت ترتیب در میان نماز وقتی و نماز فوت شده واجب است.

پس ادای نماز وقتی قبل از قضاء آوردن نماز فوتی جواز ندارد.

همچنین رعایت ترتیب در میان نمازهای فوتی با یکدیگر واجب است، بناءً قضاء آوردن نماز فوتی ظهر قبل از قضاء آوردن نماز فوتی صبح ـ مثلاً ـ جواز ندارد.

همچنین رعایت ترتیب در میان فرائض و وتر واجب است.

پس ادای نماز صبح قبل از قضاء آوردن نماز فوت شدهٔ وتر جواز ندارد.

رعایت ترتیب در میان نمازهای فوت شده با همدیگر و در میان نمازهای

فوتی و وقتی فقط آنگاه واجب است که نمازهای فوتی - به جز وتر - به شش نماز بالغ نگردند.

پس اگر چنانچه نماز فوتی شخص کمتر از شش نماز بود واو خواست تا آنها را قضاء آورد، بروی لازم است تااین نمازها را به ترتیب قضاء آورد، مثلاً - نماز صبح را قبل از نماز ظهر، و نماز ظهر را قبل از نماز عصر قضاء آورد.

وجوب ترتیب به یکی از این سه امر آتی ساقط می‌شود:

۱ـ اگر نمازهای فوتی بجز وتر به شش نماز رسید.

۲ـ اگر شخص به جهت تنگی وقت از فوت شدن نماز وقتی ترسید.

۳ـ اگر فراموش کرد که بروی نماز فوتی‌ای است، پس به فراموشی نماز وقتی را خواند.

اگر چنانچه نماز ششم وتر بود، بروی واجب است که وتر را قبل از ادای نماز صبح قضاء آورد.

اگر ترتیب به جهت رسیدن نمازهای فوتی به شش نماز یابیشتر ازآن ساقط گردید، پس بعد از آنکه نمازهای فوتی به سوی قلّت باز گردید ترتیب دوباره بر نمی‌گردد. مثال آن این است که از شخصی ده نماز فوت گردیده است، پس آن شخص نه نماز از آنها را قضاء آورده و فقط یک نماز فوتی آن باقی مانده است، سپس قبل از آنکه آن نماز باقی‌ماندهٔ فوتی را قضاء آورد، نماز وقتی را در حالی گزارده که یادآور آن نماز فوتی هم بوده است، پس در این صورت نماز وی جائز است، و صحت دارد، به جهت آنکه ترتیب از وی ساقط شده است.

اگر نماز وقتی را خواند درحالی که به یاد می‌آورد که بروی نماز فوتی‌ای است، فرض وی فاسد شده است، و لیکن این فساد موقوف است.

بناءً اگر قبل از قضاء آوردن آن نماز فوتی، پنج نماز را خواند در حالی که به یادآورندهٔ نماز فوتی هم بود، فساد باخارج شدن وقت نماز پنجم اداء کرده شده برطرف گردیده است و نمازهای پنجگانهٔ او از جای فرض صحیح گردیده است.

و لیکن اگر آن نماز فوتی را قبل از خارج شدن وقت نماز پنجم اداء کرده شده قضاء آورد، فرض‌های آن باطل شده است و نمازهای وی همگی نفل گردیده است، پس بروی واجب است که این نمازهای پنجگانه‌ای را که قبل از قضاء آوردن آن نماز فوتی خوانده است، قضاء آورد.

اگر نمازهای فوتی بسیار شد، نیاز به این دارد که هرنمازی را درهنگام قضاء آوردن تعیین نماید.

و لیکن اگر بر او تعیین کردن هر نمازی متعذر و دشوار بود، پس چنین نیّت کند که او ـ مثلاً ـ اولین نماز ظهر فوتی خود، یاآخرین نماز ظهر فوتی خود را قضاء می‌آورد.

دریافتن فریضه باجماعت

اگر جماعت بعد از آن برپاگردید که شخص منفرد (تنهاگزار) به نماز فرض شروع کرده اما هنوز سجده نکرده بود، پس نماز خویش را بایک سلام همانطور

ایستاده قطع نماید، و به امام اقتداء کند.

اگر جماعت بعد از آن برپا گردید که شخص منفرد به نماز فرض بامداد یا مغرب شروع کرده و سجده کرده بود، نماز خویش را قطع نموده و به امام اقتداء نماید.

اگر جماعت بعد از آنکه او به فرض چهار رکعتی شروع کرده و یک رکعت را هم تمام کرده بود، برپا گردید، رکعت دوم راضمیمه آن کرده و سپس سلام دهد، و به نیّت فرض به امام اقتداء نماید، و آن دو رکعتی راکه به تنهائی خوانده است نافله می‌گردد.

اگر جماعت بعد از آن برپا گردید که او سه رکعت از نماز چهار رکعتی را خوانده بود، پس چهار رکعت را تمام نموده آنگاه به نیّت نفل به امام اقتداء نماید ـ در نمازهای ظهر وَ عشاء ـ اما در نماز عصر به نیّت نفل به امام اقتداء ننماید.

اگر جماعت بعد از آن برپا گردید که او دو رکعت از نماز چهار رکعتی را خوانده بود و به رکعت سوم ایستاده بود و هنوز سجده نکرده بود، پس نماز خویش را ایستاده بایک سلام قطع نموده سپس به نیّت فرض به امام اقتداء نماید.

اگر امام در روز جمعه برای خطبه خارج گردید، بعد از آنکه شخص به سنت جمعه شروع کرده بود، پس دو رکعت را تمام نموده و سلام دهد و بعد از فارغ شدن از فرض، سنت جمعه را چهار رکعت قضاء آورد.

اگر جماعت بعد از آن برپا گردید که شخص به سنت ظهر شروع کرده بود، دو رکعت را تمام نموده و سلام دهد و به امام اقتداء نماید، و سنت را بعد از فرض

قضاء آورد.

اگر شخص بعد از آن به مسجد حاضر گردید که جماعت برپا گردیده بود، به امام اقتداء کند و از نماز جماعت به سنت مشغول نگردد، مگر در نماز صبح.

اگر بعد از آن به مسجد حاضر گردید که جماعت نماز بامداد برپا گردیده بود، نماز سنت را در خارج از مسجد، یادر یک گوشه‌ای از مسجد بخواند، اگر چنانچه برگمان وی چنین غالب بود که او امام را در رکعت دوم در خواهد یافت.

اگر از فوت شدن وقت، یا فوت شدن جماعت بیم داشت، پس نماز فرض را بخواند و سنت را ترک نماید.

هرکس امام خویش را در رکوع دریافت پس به تحقیق که این رکعت را دریافته است.

و اگر امام سرش را از رکوع بلند کرد، پس همانا این رکعت از وی فوت شده است.

بیرون شدن از مسجد بعد از آنکه درآن اذان داده شده است مکروه است، تا آنگاه که در آن نماز بگزارد.

بیرون شدن از مسجد بعد از اذان دادن در آن برای کسی که او در مسجد دیگری امام یا مؤذن است، مکروه نیست.

اگر جماعت ظهر یا عشاء بعد از آن برپا گردید که او نماز را به تنهائی خوانده بود، برای وی بیرون شدن از مسجد مکروه است، پس براو لازم است که به همراه امام به نیّت نفل نماز بخواند.

اگر جماعت بامداد، یاعصر، یامغرب بعد از آن برپا گردید که او به تنهائی نماز خوانده بود، پس برای وی خارج شدن از مسجد مکروه نیست.

فدیهٔ نماز و روزه

اگر مریض بر قضاء آوردن نمازهای فوتی خود ـ ولو بااشاره ـ قادر گردید، و قبل از آنکه آنرا قضاء آورد وفات کرد، بر او واجب گردیده است تاولی خویش را به پرداختن فدیهٔ نمازهای فوت شده وصیّت نماید.

همچنین اگر مریض بر قضاء آوردن روزه‌های فوتی خویش قادر گردید، و قبل از آنکه آنرا قضاء آورد وفات کرد، پس بروی واجب گردیده است که ولی خویش را به پرداختن فدیهٔ روزهٔ فوت شده وصیت نماید.

همچنین اگر مریض قبل از آنکه نماز فوت شدهٔ وتر را قضاء آورد وفات کرد و او بر قضاء آوردن آن قادر بود، بروی واجب گردیده است که ولی خویش را به پرداختن فدیه وصیت نماید.

و ولی؛ فدیه را از ثلث (یک سوم) میراث بیرون گرداند.

فدیهٔ نماز برای هر وقت: نصف صاع از گندم یاقیمت آن است، یایک صاع[1] از جو یا قیمت آن.

فدیهٔ روزهٔ هرروز: نصف صاع از گندم یاقیمت آن، یا یک صاع از جو یا

۱ـ صاع: معادل (۳۰۶۰) گرام است ـ تقریباً.

قیمت آن است.

برای ولی جواز دارد که فدیهٔ نمازها را به تمامی به یک نفر فقیر بدهد.

همچنین جواز دارد که فدیهٔ روزه‌ها را تماماً به یک فقیر بدهد.

و لیکن جواز ندارد که فدیهٔ کفارهٔ یمین (کفارهٔ سوگند) را به یک فقیر بیشتر از نصف صاع از گندم در یک روز بدهد.

اگر شخص متوفی ولی خویش را به اداء کردن فدیه وصیت نکرده بود و لیکن ولی آن داوطلبانه از جای وی آن فدیه را پرداخت، قبول آن از بارگاه حق تعالی امید برده می‌شود.

برای ولی صحیح نیست که عوض از روزه فوت شدهٔ متوفی، از جای آن روزه بگیرد.

همچنین برای ولی صحیح نیست که از جای مرده عوض نمازهای فوت شدهٔ آن نماز بگزارد.

اگر مریض قبل از آنکه بر ادای نماز خویش به اشاره قادر شود، وفات کرد، وصیت کردن به ادای فدیه بروی لازم نمی گردد، چه نمازهای فوتی آن بسیار باشد چه کم.

همچنین اگر مریض مرد، قبل از آنکه بر قضاء آوردن روزه‌هایی که در مرض مرگش از وی فوت شده است قادر گردد، براو وصیت کردن به ادای فدیه لازم نمی گردد، خواه روزه‌های فوت شده وی بسیار باشد، یا کم.

همچنین اگر مسافر قبل از اقامت مرد، براو وصیت کردن به پرداخت فدیهٔ

روزه لازم نمی گردد.

احکام سجدهٔ سهو

هرکس رکنی از ارکان نماز را ترک نمود، پس نماز وی باطل شده است، و بروی اعادهٔ نماز واجب است.

و در این صورت نقصان نماز باسجدهٔ سهو یابه چیز دیگری جبران نمی شود، چه ترک رکن به قصد بوده باشد، یا به سهو.

هرکس واجبی از واجبات نماز را به قصد ترک کرد، پس محققاً گنه کار شده است، و نماز وی فاسد گردیده است، و بروی اعادهٔ نماز واجب است، زیرا دراین صورت نقصان نماز باسجدهٔ سهو جبران نمی شود.

اما هرکس واجبی از واجبات نماز را سهواً ترک کرد، سجدهٔ سهو بروی واجب است، و در این صورت نقصان نماز باسجدهٔ سهو جبران می‌شود.

پس سجدهٔ سهو در صورتهای آتی واجب می‌گردد:

۱ـ در صورتی که قرائت سورهٔ فاتحه را در دو رکعت اول از نماز فرض، یا در یک رکعت از آن دورکعت، سهواً ترک کرد.

همچنین سجدهٔ سهو واجب می‌گردد، اگر قرائت سورهٔ فاتحه را در هررکعتی از رکعتهای نفل و وتر سهواً ترک کرد.

۲ـ در صورتی که قرائت را در دو رکعت اول از نماز فرض فراموش کرد، پس آنرا در دورکعت دیگر خواند.

۳ـ در صورتی که ضم کردن سورهٔ دیگر را باسورهٔ فاتحه در دو رکعت اول از نماز فرض، یایک رکعت از آن دو فراموش کرد.

و همچنین است اگر ضم کردن سوره‌ای را باسورهٔ فاتحه در هررکعتی از رکعتهای نفل و وتر فراموش کند.

۴ـ در صورتی که سورهٔ فاتحه را دو بار خواند، زیرا او سوره را از جای آن به تأخیر انداخته است.

۵ـ در صورتی که یک سجده نموده به رکعت دوم برخواست، آنگاه این رکعت را باهردو سجدهٔ آن اداء نمود، سپس سجده‌ای را که سهواً ترک نموده است به آن ضمیمه ساخت، پس نماز وی صحیح گردیده، امّا بر وی سجدهٔ سهو واجب گردیده است.

۶ـ در صورتی که قعدهٔ اول را سهواً در نماز سه رکعتی، یاچهار رکعتی ترک کرد، خواه قعدهٔ اول را در نماز فرض ترک کرده باشد یا در نماز نفل.

کسی که قعدهٔ اول از نماز فرض را سهواً ترک کرد، و به صورت تام وکامل به رکعت سوم ایستاد، پس به نماز خویش ادامه داده وبرای سهو سجده کند، بدانجهت که او واجب نشستن (قعده) را ترک کرده است.

۷ـ در صورتی که خواندن تشهد (التحیات) را سهواً ترک کند.

۸ـ در صورتی که تکبیر قنوت را در نماز وتر ترک کند.

۹ـ در صورتی که قرائت قنوت را در نماز وتر قبل از رکوع ترک کند.

۱۰ـ در صورتی که امام قرائت را در نمازهای سرّی بلند بخواند.

۱۱ـ در صورتی که امام در نمازهای جهری قرائت را آهسته بخواند.

۱۲ـ در صورتی که در قعدهٔ اول بر تشهد (التحیات) بیفزاید، مانند اینکه درودها را سهواً بعد از تشهد بخواند، یا به اندازهٔ ادای یک رکن از ارکان، به حال سکوت درنگ نماید.

فروعاتی که به سجدهٔ سهو تعلق می‌گیرند

سجدهٔ سهو، با سهو امام؛ بر امام و مقتدی هردو واجب می‌گردد.

و سجدهٔ سهو واجب نمی گردد اگر چنانچه مقتدی در حال اقتدائش به امام، سهو کند.

و سجدهٔ سهو بر مقتدی واجب می‌گردد اگر چنانچه بعد از سلام دادن امام، در حال تکمیل نمودن نمازش سهو کرد.

آنگاه که سجدهٔ سهو برامام واجب گردید و او سجده کرد، بر مقتدی نیز واجب است تا از امام خویش در سجدهٔ سهو پیروی نماید.

کسی که بروی سجدهٔ سهو واجب گردیده است؛ در صورت ترک نمودن عمدی آن گنه کار می‌باشد، و اعادهٔ نماز بر وی واجب است.

کسی که بیشتر از یک واجب را سهواً ترک نمود، برای او دو سجدهٔ سهو کفایت می‌کند.

کسی که قعدهٔ اول از نماز فرض را سهواً ترک نمود، به سوی قعده برگردد تا آنگاه که کاملاً برابر ایستاده نشده است، سپس اگر به ایستادن نزدیکتر بود

سجدهٔ سهو انجام دهد، و اگر به قعده نزدیک‌تر بود، سجده ای بروی نیست.

کسی که قعدهٔ اول را در نماز نفل فراموش می‌کند، به سوی قعده برگردد ـ اگر چه که برابر ایستاده شده بود ـ و برای سهو سجده کند.

کسی که قعدهٔ اخیر را فراموش کرد و ایستاد، پس به سوی قعده برگردد تا آنگاه که برای رکعت پنجم سجده نکرده بود، و برای سهو سجده کند.

کسی که قعدهٔ اخیر را فراموش کرد و ایستاد و برای رکعت پنجم سجده کرد، پس فرض وی به نفل تبدیل گردیده است، و برای او لازم است تا رکعت ششمی را به آن ضمیمه کند در نمازهای ظهر، وعصر، وعشاء و رکعت چهارمی را ضمیمه کند در نماز صبح، و برای سهو سجده نماید، و فرضش را إعاده نماید.

کسی که در قعدهٔ اخیر نشست، و تشهد خواند، سپس به گمان اینکه این قعدهٔ اول است به پا خواست، به قعده برگردد و سلام بدهد، و تشهد را تکرار نکند.

کسی که به قصد خارج شدن از نماز سلام داد، در حالی که بر وی سجدهٔ سهو واجب گردیده بود، برای سهو سجده کند تاآنگاه که عملی منافی با نماز را انجام نداده باشد، همچون برگردیدن از قبله، و سخن گفتن و امثال آن

کسی که نماز چهار رکعتی‌ای را می‌خواند، پس گمان کرد که او نماز خویش را تکمیل نموده است، و از اینرو سلام داد، سپس دانست که او دو رکعت خوانده است، به نماز خویش ادامه دهد، و برای سهو سجده کند.

کیفیت سجدهٔ سهو

کسی که بر او سجدهٔ سهو واجب شده است، چون در قعدهٔ اخیر از تشهد فارغ گردید، از جانب راست خویش یک سلام بدهد، سپس تکبیر گفته و دو سجده مانند سجدهٔ نماز بنماید، آنگاه بنشیند و وجوباً تشهد بخواند، و بعد از آن درودهارا خوانده ودر حق خویش دعاء نماید، آنگاه برای خارج شدن از نماز سلام بدهد.

پس اگر قبل از سلام سجده کرد نماز وی جائز است، و لیکن این‌کار مکروه تنزیهی است.

چه وقت سجدهٔ سهو ساقط می‌شود؟

۱ـ سجدهٔ سهو در نماز جمعه ساقط می‌شود، اگر چنانچه در جمعه، جمع بسیاری حاضر بوده باشند، تاآنکه امر بر نماز گزاران مشتبَه و آشفته نشود.

۲ـ و سجدهٔ سهو در عیدین (عید فطر و عید قربان) ساقط می‌شود، اگر چنانچه در آنها جمع بسیاری حاضر گردیده بودند.

۳ـ و سجدهٔ سهو ساقط می‌شود اگر چنانچه خورشید در نماز صبح بعد از سلام دادن طلوع کرد.

۴ـ و سجدهٔ سهو ساقط می‌شود اگر چنانچه خورشید در نماز عصر بعد از سلام دادن به رنگ سرخی گرائید.

و سجدهٔ سهو ساقط می‌شود اگر چنانچه بعد از سلام دادن امری رونما گردید

که منافی بانماز بود، مثلاً سخن گفتن به سهو ـ و در تمام این صورتها اعاده و باز گردانیدن نماز واجب نیست.

چه وقت نماز با شک باطل می‌شود و چه وقت باطل نمی شود؟

کسی که در اثناء نماز خویش در تعداد رکعتهای آن شک کرد، و این شک برای اولین بار بر وی پیش آمد، پس نماز وی باطل شده است، و بروی اعادهٔ نماز واجب است.

کسی که در تعداد رکعتهای نماز بعد از سلام دادن شک کرد، نماز وی باطل نمی شود.

کسی که بعد از سلام دادن یقین حاصل کرد که بعضی از رکعتهای نماز را ترک کرده است، پس اگر عملی منافی بانماز را انجام نداده بود، آنچه راکه ترک کرده است بخواند، و اگر عملی را انجام داد که منافی بانماز بود ـ مانند اینکه سخن گفت مثلاً ـ پس نمازش را إعاده نماید.

کسی که بر وی در غالب اوقات شک پیش می‌آید، و شک؛ عادتی برای وی گردیده است، پس به آن چیزی عمل نماید که بر گمانش غالب است، و اگر چیزی بر گمان وی غالب نگردید جانب اقلّ را بگیرد، و بعد از هر رکعتی که آن را آخر نماز خویش گمان می‌کند بنشیند و برای سهو سجده کند.

احکام سجدهٔ تلاوت

سجدهٔ تلاوت واجب می‌گردد؛ اگر یکی از سه امر آتی رونما گردید:

۱ـ آنگاه که شخص آیهٔ سجده را خواند، چه آنچه راکه خوانده بود خود شنیده بود یانشنیده بود. همچنین سجدهٔ تلاوت واجب می‌گردد اگر از آیت سجده حرف سجده را با کلمه‌ای قبل یا بعد از آن خواند.

۲ـ سجدهٔ تلاوت واجب می‌گردد؛ اگر آیت سجده راشنید، خواه قصد شنیدن آنرا کرده بود، یا نکرده بود.

۳ـ سجدهٔ تلاوت واجب می‌گردد؛ آنگاه که به امامی اقتداء نمود که آن امام آیت سجده را خواند، خواه مقتدی آیت سجده را شنیده باشد یا نشنیده باشد.

سجدهٔ تلاوت بر زن حائض و بر زن در حال نفاس واجب نمی گردد.

سجدهٔ تلاوت از تلاوت مقتدی واجب نمی گردد، نه بر خود مقتدی و نه بر امام.

سجدهٔ تلاوت واجب نمی گردد بر شخص در حال خواب، و بر دیوانه، و بر کودک، و بر کافر.

و سجدهٔ تلاوت واجب نمی گردد اگر آیت سجده را از یک آلهٔ ضبط کننده‌ای چون نوار ضبط الصوت، گرامافون و فنوگراف شنید.

وجوب سجدهٔ تلاوت گاهی مُوَسَّع و فراخ است و گاهی تنگ و محدود.

وجوب سجدهٔ تلاوت آنگاه موَسَّع و فراخ است که واجب آورندهٔ آن در خارج از نماز روی دهد، یعنی شخص گنه کار نمی شود اگر سجدهٔ تلاوت را در خارج از

نماز به تأخیر اندازد، ولیکن به تأخیر انداختن آن مکروه تنزیهی است.

و سجدهٔ تلاوت تنگ و محدود است آنگاه که واجب آورندهٔ آن در نماز روی دهد، به اینکه شخص آیت سجده را در نماز بخواند، پس در این حالت ادای فوری سجده بروی واجب می‌گردد.

و اندازهٔ فوریت به این مقدار است که میان سجده و میان تلاوت آیت سجده زمانی که گنجایش قرائت بیشتر از سه آیه را دارد فاصله نباشد.

پس اگر بین سجده و تلاوت آیت سجده زمانی گذشت که گنجایش قرائت بیشتر از سه آیه را داشت، فوریت باطل شده است.

و اگر برای آیت سجده، سجده نکرد بلکه قبل از انقطاع فوریت رکوع نمود، و بارکوع نیّت سجده تلاوت را کرد، از وی کافی است و صحت دارد.

همچنین اگر برای آیت سجده، سجده نکرد، بلکه قبل از انقطاع فوریت برای نماز سجده نمود، این سجده از وی پذیرفته می‌شود و صحت دارد، خواه نیّت سجدهٔ تلاوت را کرده باشد، یا نکرده باشد.

و اگر چنانچه فوریت منقطع گردید؛ سجدهٔ تلاوت از وی ساقط نمی شود، نه با رکوع و نه با سجده کردن برای نماز، و بر وی قضاء آوردن این سجده با سجدهٔ خاص دیگری واجب می‌گردد، مادامی که در نماز خویش است.

پس اگر از نماز خارج گردید و سجدهٔ تلاوت را انجام نداد، دیگر آن را در خارج از نماز قضاء نیاورد، زیرا که وقت آن فوت گردیده است، امّا اگر چنانچه با سلام دادن از نماز خارج گردید، پس می تواند آن را قضاء آورد تاآنگاه که عملی

منافی بانماز را انجام نداده است.

فروعاتی که به سجدهٔ تلاوت تعلق می‌گیرند

اگر امام و مقتدی‌ها آیت سجده را از شخصی شنیدند که با ایشان در نماز شریک نبود، پس امام ومقتدی‌ها بعد از فراغت از نماز سجده نکنند.

و اگر این سجده را در نماز انجام دادند صحیح نمی شود، و لیکن نماز ایشان نیز با این سجده فاسد نمی گردد.

کسی که آیت سجده را از امام شنید، سپس قبل از آنکه امام برای سجدهٔ تلاوت سجده نماید، به آن اقتداء کرد، در این صورت آن شخص از امام خویش در سجدهٔ آن پیروی نماید.

کسی که آیت سجده را از امام شنید، سپس به آن بعد از آن اقتداء کرد که امام در این رکعت سجده کرده بود، پس آن شخص دریابندهٔ آن سجده است و بنابراین سجده نکند، نه در نماز و نه در خارج از آن.

کسی که آیت سجده را خارج از نماز خواند و برای آن سجده نکرد، سپس تلاوت آنرا در نماز عود نمود و برای آن سجده کرد، این سجده از جای هردو سجده کافی است، تاآنگاه که مجلس تبدیل نشده است.

کسی که تلاوت آیت سجده را در یک مجلس تکرار کرد، برای او یک سجدهٔ واحد کافی است.

کسی که آیت سجده را در مجلسی خواند، آنگاه مجلس تبدیل گردید و او تلاوت آنرا تکرار کرد، پس بروی دو سجده واجب می‌گردد.

مجلس بوسیله انتقال از آن جلسه به مجلسی دیگر تبدیل می‌گردد.

زوایا و گوشه های یک خانه در حکم یک مجلس واحد است، چه آن خانه کوچک باشد چه بزرگ.

زوایای یک مسجد در حکم یک مجلس واحد است، چه آن مسجد کوچک باشد چه بزرگ.

اگر مجلس شنونده تکرار گردید، وجوب سجده نیز بروی تکرار می‌گردد، خواه مجلس قاری و خواننده هم تکرار شده باشد یانشده باشد.

مکروه است که سوره‌ای راکه در آن سجده است بخواند اما آیت سجده را در آن ترک نماید.

اگر چنانچه شنونده آمادهٔ سجده کردن نبود، برای قاری مستحب است تا آیت سجده را آهسته تلاوت نماید، به طوری که او آنرا نشنود.

کیفیت سجدهٔ تلاوت

کیفیت سجدهٔ تلاوت چنین است که یک سجده را در میان دو تکبیر انجام دهد؛ تکبیری درهنگام نهادن پیشانی خود بر زمین برای سجده، و تکبیر دیگر در هنگام برداشتن پیشانی خود از سجده.

اداءکنندهٔ سجدهٔ تلاوت دستهای خویش را در هنگام تکبیر بلند نکند، و

تشهد را نخواند و بعد از سجده سلام هم ندهد.

رکن سجدهٔ تلاوت یک چیز است، و آن نهادن پیشانی است بر زمین، یا آنچه که به جای آن می‌ایستد از رکوع، و اشاره است برای مریض.

و هردو تکبیر سنت اند.

و مستحب است که ازجای خویش برخیزد، آنگاه برای تلاوت سجده کند.

شرطهای صحت سجدهٔ تلاوت همانا عین شرطهای صحت نماز است، به‌جز اینکه تکبیر تحریمه در نماز شرط است اما در سجدهٔ تلاوت شرط نیست.

اداء سجدهٔ تلاوت در چهارده موضع از قرآن کریم واجب می‌گردد:

۱ـ در سورهٔ اعراف. ۲ـ در سورهٔ رعد.

۳ـ در سورهٔ نحل. ۴ـ در سورهٔ اسراء.

۵ـ در سورهٔ مریم. ۶ـ سجدهٔ اول در سورهٔ حج.

۷ـ در سورهٔ فرقان. ۸ـ در سورهٔ نمل.

۹ـ در الٓمٓ السَّجْدَه. ۱۰ـ در سورهٔ (ص).

۱۱ـ در سورهٔ حمٓ السَّجْدَه. ۱۲ـ در سورهٔ نجم.

۱۳ـ در سورهٔ انشقاق. ۱۴ـ در سورهٔ علق.



نماز جمعه

خدای متعال فرموده است:

﴿اِذَا نُوْدِیَ لِلصَّلاةِ مِنْ یَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا اِلٰی ذِکْرِ اللهِ وَذَرُوا الْبَیْعَ، ذٰالِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ اِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ـ آنگاه که برای نماز از روز جمعه ندا درداده شد پس بشتابید بسوی ذکر الله، و ترک کنید معاملهٔ خرید و فروش را، این برای شما بهتر است اگر شما می‌دانید﴾ (سورهٔ جمعه ـ ۹)

و رسول خدا ﷺ فرموده است:

«مَنْ تَوَضَّأَ فَاَحْسَنَ ثُمَّ اَتٰی اَلْجُمُعَةَ فَاسْتَمَعَ وَاَنْصَتَ غُفِرَ لَهُ مَابَیْنَهُ وَبَیْنَ الْجُمُعَةِ وَزِیَادَةُ ثَلاثَةَ اَیَّامٍ، وَمَنْ مَسَّ الْحَصٰی فَقَدْ لَغَا ـ هرکس وضوء گیرد پس وضوء را نیکو گرداند، سپس به نماز جمعه بیاید، آنگاه گوش فرادهد و ساکت باشد، آمرزیده شده است برای او مابین این جمعه و جمعه‌ای دیگر به اضافهٔ سه روز، و هرکس که سنگ ریزه‌ها را مساس کند پس محققاً که کار بیهوده‌ای کرده است»[۱]. (به روایت مسلم)

و نیز فرموده آن حضرت ﷺ است:

«مَنْ تَرَکَ ثَلاثَ جُمَعٍ تَهَاوُناً طَبَعَ اللهُ عَلٰی قَلْبِهْ ـ هرکس سه جمعه را از روی سبک انگاری ترک کند خداوند برقلب وی مهر می نهد». (به روایت ابو داؤد)

نماز جمعه دو رکعت جهری است، و این نماز فرض عین مستقلی می‌باشد و

۱ـ یعنی باید از کارهای بیهوده بپرهیزد، چون دست بازی با سنگریزه‌ها.

بدل از نماز ظهر نیست، و لیکن هرآن کس که نماز جمعه از وی فوت گردید، بروی چهار رکعت نماز ظهر فرض گردید است.

شرطهای فرضیت نماز جمعه

نماز جمعه بر هرکسی که در وی شرطهای آتی فراهم باشد فرض است:

۱ـ اینکه مرد باشد، پس نماز جمعه بر زن فرض نیست.

۲ـ اینکه آزاد باشد، پس نماز جمعه بر برده فرض نیست.

۳ـ اینکه در شهری مقیم باشد[۱]، یا در جایی که در حکم شهر است، پس نماز جمعه بر مسافر فرض نیست، و همچنین بر مقیمی که در قریه است فرض نیست.

۴ـ اینکه شخص صحیح و سالم باشد، پس نماز جمعه بر مریض فرض نیست.

۵ـ اینکه امنیت وی تأمین باشد، پس نماز جمعه بر کسی که از بیم ظالم ظالم پنهان شده است فرض نیست.

۶ـ اینکه بینا باشد، پس نماز جمعه بر نابینا فرض نیست.

۷ـ اینکه بر پیاده رفتن قادر باشد، پس نماز جمعه بر کسی که قادر به

۱ـ فقهاء در تعریف شهر(مصر) به مذاهب مختلفی تقسیم شده اند، و مشهور آن است که شهر آن جایی است که دارای مفتی وامیر وقاضی‌ای می‌باشد که بر اقامهٔ اکثر حدود قادر است، وفقهای متأخر بر آنند که شهر هر آنجایی است که بزرگترین مساجد آن برای اهالی مکلّف آن گنجایش نداشته باشد، وقریه جایی است که این چنین نباشد.

پیاده روی نیست فرض نمی باشد.

آنانی که برایشان نماز جمعه فرض نیست اگر چنانچه آنرا خواندند نماز ایشان صحیح است و نماز ظهر از ایشان ساقط گردیده است، و خواندن نماز جمعه برای ایشان مستحب است.

و زن نماز ظهر را در خانه اش بگزارد، زیرا که او از حضور در جماعت منع شده است.

شرطهای صحت نماز جمعه

نماز جمعه صحیح نیست مگرآنگاه که شرطهای آتی فراهم بوده باشد:

۱ـ شهر وفناء[۱] آن، پس نماز جمعه در قریه‌ها صحیح نمی شود.

و برپا داشتن نماز جمعه در مواضع بسیاری از یک شهر و فناء آن صحت دارد.

۲ـ اینکه امام (خلیفه، رئیس جمهور، پادشاه) یانائب آن در جمعه حاضر باشد[۲].

۳ـ اینکه نماز جمعه در وقت ظهر اقامه گردد، پس برگزاری نماز جمعه قبل

۱ـ تعریف (فناء) قبلاً گذشت.

۲ـ فقهای متأخر به برپاداشتن نمازهای جمعه و عید در بلادی که دارای حکومت اسلامی نیست، وامام یا نائب وی در آنها وجود ندارد، فتوا داده اند، و مسلمانان امام وقاضی خویش را در این سرزمینها باتوافق و رضای همدیگر تعیین کنند.

از وقت ظهر و بعد از آن صحیح نمی شود.

۴ـ خطبه؛ در صورتی که در وقت ظهر قبل از نماز ایراد گردد.

و حضور حداقل یک نفر از آنانی که جمعه به ایشان منعقد می‌شود برای شنیدن خطبه الزامی و لابدی است.

۵ـ إذن عام. ومراد به إذن عام این است که مکانی که در آن جمعه برپا می‌شود برای هرکسی که ارادهٔ در آمدن در آن را داشت مباح و بلامانع باشد، پس جمعه در سرایی که دروازهٔ آن بر روی مردم بسته شده است صحیح نیست.

۶ـ اینکه جمعه با جماعت برپا ساخته شود، پس نماز جمعه صحیح نیست، اگر آنرا تنها تنها گزاردند.

و جماعت در نماز جمعه با سه مرد بجز امام منعقد می‌شود.

اگر مسافر، یامریض در نماز جمعه امامت داد، نماز صحیح است.

سنتهای خطبه

امور آتی در خطبه سنت است:

۱ـ اینکه خطیب از حَدَث[1] و نجاست پاک باشد.

۲ـ اینکه خطیب پوشانندهٔ عورت خویش باشد.

۱ـ تعریف آن در کتاب طهارت گذشت.

۳ـ اینکه خطیب قبل از شروع کردن در خطبه بر منبر بنشیند.

۴ـ اینکه در پیش روی خطیب اذان داده شود.

۵ـ اینک خطیب ایستاده خطبه بخواند.

۶ـ اینکه خطیب خطبه را با حمد و ستایش خدای متعال آغاز نماید.

۷ـ اینکه خطیب بر خدای متعال به آنچه که او شایستهٔ آن است ثناء بگوید.

۸ـ اینکه خطیب شهادتین را در خطبه بیاورد.

۹ـ اینکه بر رسول اکرمﷺ در خطبه درود بخواند.

۱۰ـ اینکه مردم را در خطبه موعظه کند، و ایشان را پند و اندرز دهد، و حداقل آیه‌ای از قرآن کریم را بخواند.

۱۱ـ اینکه دو خطبه ایراد نماید، و میان دو خطبه با نشستن سبکی فاصله قرار دهد.

۱۲ـ اینکه خطبهٔ دوم را با حمد خدای متعال و ثناء بروی و درود بر رسول اکرمﷺ از سر بگیرد.

۱۳ اینکه در خطبهٔ دوم در حق مؤمنین و مؤمنات دعاء نموده و برای ایشان آمرزش بخواهد.

۱۴ـ اینکه ایراد خطبه با صدای بلند و آشکار بوده باشد تا اینکه قوم بر شنیدن سخنان خطیب قادر گردند.

۱۵ـ اینکه خطیب خطبه را سبک گرداند، بدان حد که به اندازهٔ سوره‌ای

از سوره‌های طوال مفصل[۱] بوده باشد.

فروعاتی که به نماز جمعه تعلق می‌گیرند

شتاب کردن به سوی نماز جمعه و ترک داد و ستد با اذان اوّل واجب است.

چون امام برای خطبه بیرون آمد پس نه نمازی جواز دارد و نه سخن گفتنی، بناء شخص تا آنگاه که از نماز فارغ می‌شود نه سلامی را پاسخ دهد و نه عطسه زننده‌ای را.

برای خطیب مکروه است که خطبه را طولانی گرداند.

برای خطیب مکروه است که چیزی از سنتهای خطبه را ترک نماید.

خوردن، آشامیدن، بیهوده کاری و بازی کردن و نگریستن به این سو و آنسو برای کسی که خطبه را حاضر گردیده است مکروه می‌باشد.

خطیب چون بر منبر برخواست بر قوم سلام ندهد.

کسی که جمعه را در تشهد یا در سجدهٔ سهو دریافت، پس به تحقیق که جمعه را دریافته است و دو رکعت را تمام گرداند.

برای معذور و زندانی مکروه است که نماز ظهر را در روز جمعه در شهر به جماعت بخوانند.

۱ـ تعریف طوال مفصّل گذشت.

احکام عیدین

ابو داؤد در سننش از انس ﷺ روایت کرده است که فرمود: «رسول خدا ﷺ به مدینه تشریف آوردند در حالی که مردم مدینه دو روز داشتند که در آن‌ها به سرگرمی و تفریح می‌پرداختند، پس رسول خدا ﷺ فرمودند: فلسفهٔ جشن گرفتن این دو روز چیست؟ گفتند: ما در جاهلیت در این دو روز به بازی و سرگرمی می‌پرداختیم. رسول خدا ﷺ فرمودند: محققاً خداوند ﷻ بهتر از آن دو روز را برای شما جانشین قرار داده است: روز قربان وروز فطر».

نماز عیدین واجب است، و آن عبارت است از گزاردن دورکعت جهری در هریک از دو عید. و این دو رکعت بعد از بالا آمدن خورشید به اندازهٔ یک نیزه خوانده می‌شود، و درآن تکبیرهایی است که به نام تکبیرات زوائد نامیده می‌شوند ـ سه تکبیر در رکعت اول بعد از ثناء ﴿سُبْحَانَکَ اللّٰهُمَّ﴾، و سه تکبیر در رکعت دوم قبل از رکوع، و خطبه بعد از نماز ایراد می‌شود.

نماز عیدین بر چه کسی واجب است؟

نماز عیدین واجب نیست مگر بر کسی که نماز جمعه بر او واجب می‌گردد.

پس نماز عیدین بر مرد سالم، آزاد، مقیم، بینا، و در حال امنیت واجب است، اگر چنانچه بر پیاده رفتن قادر بود.

و نماز عیدین بر زن، و بیمار، و برده، و مسافر، و نابینا، و شخص بیمناک،

واجب نیست.

همچنین نماز عیدین بر کسی که قادر به پیاده روی نمی‌باشد واجب نیست.

کسی که نماز عیدین بر او واجب نیست اگر آنرا همراه با مردم خواند، نماز وی جائز است.

شرطهای صحت نماز عیدین

نماز عیدین صحیح نیست مگر آنگاه که شرطهای آتی یکجا گردند:

۱ـ وجود شهر وفناء آن.

۲ـ وجود سلطان و نائب وی[۱].

۳ـ فراهم بودن إذن عام.

۴ـ وجود جماعت.

و در نماز عیدین جماعت بایک نفر به همراه امام منعقد می‌شود.

۵ـ وجود وقت.

وقت نماز عیدین آنگاه شروع می‌شود که خورشید به اندازهٔ یک نیزه بالا آید، و با زوال خورشید وقت آن به پایان می‌رسد.

نماز عیدین بدون خطبه صحت دارد، و لیکن این مکروه است.

۱ـ فقهای متأخر به اقامهٔ جمعه ها واعیاد بدون وجود سلطان ونائبش در سرزمین هائی که دارای حکومت اسلامی نیستند، ودر آن سلطان مسلمان یا نائب وی وجود ندارد فتوا داده اند، و مسلمانان امام نماز خویش را با رضایت همدیگر تعیین کنند.

نماز عیدین صحیح است؛ اگر خطبه بر نماز مقدم ساخته شد، و لیکن این مکروه است.

مستحبات روز فطر

امور آتی در روز فطر مستحب است:

۱ـ اینکه صبح زود از خواب بیدار شود.

۲ـ اینکه نماز صبح را در مسجد محله خویش بخواند.

۳ـ اینکه مسواک بزند.

۴ـ اینکه غسل نماید.

۵ـ اینکه نیکوترین جامهٔ خویش را بپوشد.

۶ـ اینکه خوشبویی استعمال نماید.

۷ـ اینکه قبل از رفتن به سوی مصلّٰی چیزی بخورد.

۸ـ اینکه صدقهٔ فطر را قبل از رفتن به سوی مصلّٰی اداء کند، اگر چنانچه صدقهٔ فطر بروی واجب بود.

۹ـ اینکه بر حسب توانائی خویش صدقه را بسیار گرداند.

۱۰ـ اینکه شادمانی و بشاشیت را بر چهرهٔ خویش آشکار گرداند.

۱۱ـ اینکه به موقع و اول وقت، پیاده، تکبیر گویان، و بطور آهسته به سوی مصلّٰی حرکت کند و چون به مصلّٰی رسید تکبیر گفتن را قطع نماید.

۱۲ـ اینکه در برگشتن از مصلّٰی از راه دیگری برگردد.

گزاردن نماز نافله قبل از نماز عیدین مکروه است.
گزاردن نماز نافله قبل از نماز عیدین در مصلّی مکروه است.
گزاردن نماز نافله بعد از نماز عیدین در مصلّی مکروه است، اما در خانه مکروه نیست.

کیفیت نماز عیدین

چون می‌خواستی نماز عید را بگزاری، پس با امام برخیز، در حالی که نیّت کنندهٔ نماز عید و پیروی از امام هستی[1]، و برای تحریمه تکبیر بگوی، سپس ثناء ﴿سُبْحٰنَکَ اللّٰهُمَّ﴾ رابخوان، سپس به همراه امام سه بار تکبیر بگوی، و دستهایت را هربار به برابر گوشهایت بالا کن، آنگاه سکوت کن و امام آهسته ﴿اَعُوْذُ بِاللهِ مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجِیْم، بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْم﴾ را بخواند، سپس جهراً سورهٔ فاتحه را بخواند، و بعد از آن با سورهٔ فاتحه سورهٔ دیگری را ضمیمه کند. و برای امام مستحب است که سورهٔ بالاتر را در رکعت اول بخواند. آنگاه با امام رکوع و سجده کن؛ چنانکه در نمازهای روزانه رکوع و سجده می‌نمایی، پس چون به همراه امام برای رکعت دوم برخواستی، ایستاده ساکت باش، و امام آهسته ﴿بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْم﴾ را بخواند، آنگاه جهراً سورهٔ فاتحه را بخواند و سپس سورهٔ دیگری را، و برای امام مستحب است که سورهٔ ﴿اَلْغَاشِیَة﴾ را در

۱ـ اما اگر چنانچه عید اضحی بود، پس به جای عید فطر نیّت نماز عید اضحی را بکن.

رکعت دوم بخواند، پس چون امام از قرائت فارغ گردید و تکبیر گفت، تونیز باوی سه تکبیر بگوی، و دستهایت را در هربار بالا کن، سپس رکوع کن، و سجده کن، و نماز را مثل نمازهای روزانه تکمیل نما، پس چون امام از نماز فارغ گردید، دو خطبه بخواند و در آنها احکام عید فطر را به مردم تعلیم دهد.

اگر امام تکبیرات زوائد را در رکعت دوم بر قرائت مقدم گرانید جائز است، و لیکن اولٰی واحسن این است که قرائت را بر تکبیرات زوائد در رکعت دوم مقدّم گرداند.

تأخیر نماز عید به فردای آن جائز است، اگر چنانچه عذری موجود بود.

کسی که نماز عیدین با امام از وی فوت شده است، آنرا قضاء نیاورد، زیرا که گزاردن نماز عیدین بدون جماعت صحیح نیست.

احکام عید اُضْحٰی

احکام عید اضحی مانند احکام عید فطر است.

و نماز عید اضحی نیز مانند نماز عید فطر است، مگر اینکه باید شخص، خوردن را در عید اضحی از نماز به تأخیر اندازد، و در راه بلند تکبیر بگوید، و امام احکام قربانی و تکبیر تشریق[1] را در خطبهٔ عید قربان به مردم تعلیم بدهد.

به تأخیر انداختن نماز عید اضحی تا روز دوازدهم از ذِی‌الحجه جواز دارد،

۱ـ تکبیر تشریق این است که بگوید: «الله اکبر، الله اکبر، لا اله الا الله، والله اکبر، الله اکبر، ولله الحمد».

اگر چنانچه عذری موجود بود.

گفتن تکبیر تشریق یک بار به طور جهری بعد از نماز صبح روز عرفه ـ یعنی روز نهم از ذیحجه ـ تا عصر روز سیزدهم از ذیحجه بر هرکسی که نماز فرض را می‌خوانَد واجب است، چه نماز را به جماعت بخواند یا به تنهائی، چه مسافر باشد یامقیم، چه مرد باشد یازن، و چه روستائی باشد یا شهری.

نماز کُسوف و خُسوف

بخاری رضی الله عنه از ابی بکرة رضی الله عنه روایت کرده است که گفت: در عصر رسول خدا ﷺ خورشید گرفت، پس آن حضرت ﷺ بیرون شدند در حالی که رداء (پتوی) خویش را باخود می‌کشیدند، تا اینکه به مسجد رسیدند، و مردم به سوی ایشان گرد آمدند، پس مبارک برای ایشان دو رکعت نماز گزاردند، و آنگاه خورشید آشکار گردید، پس فرمودند:

«اِنَّ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ آیَتَانِ مِنْ آیَاتِ اللّٰهِ وَاِنَّهُمَا لاَ یَخْسِفَانِ لِمَوْتِ اَحَدٍ وَلاَ لِحَیَاتِهِ، وَ لٰکِنْ یُخَوِّفُ اللّٰهُ بِهِمَا عِبَادَهُ، فَاِذَا کَانَ ذَالِکَ فَصَلُّوْا حَتّٰی یَنْکَشِفَ مَا بِکُمْ ـ بیگمان خورشید و ماه دو نشانه از نشانه‌های خداوند هستند، و بی تردید آن دو بخاطر مرگ و یا حیات هیچکسی در حجاب قرار نمی گیرند، و لیکن خداوند بوسیلهٔ در حجاب قرادادن این دو؛ بندگان خویش را می‌ترساند و بیم می‌دهد، پس آنگاه که این دو پدیده رونما گردید، نماز

بخوانید تا آنکه بر شما آشکار و متجلّی گردند».

مسنون است که در هنگام خورشید گرفتگی دو رکعت یا چهار رکعت نماز با جماعت بر گزار گردد.

إقامهٔ جماعت در نماز کسوف (خورشید گرفتگی) سنّت مؤکّده است.

اما إقامهٔ جماعت در خسوف (ماه گرفتگی) سنت نیست، بلکه مردم در آن تنها، تنها بدون جماعت نماز بخوانند.

در نماز خورشید گرفتگی نه اذان است و نه اقامت و نه خطبه، بلکه چنین ندا کرده شود: «اَلصَّلاةُ جَامِعَةٌ»[1].

برای امام سنّت است که در نماز خورشید گرفتگی قرائت و رکوع و سجده را طولانی گرداند.

چون امام از نماز فارغ گردید؛ شروع به دعا کردن نماید و مقتدی ها هم بر دعاء وی آمین بگویند تا آنگاه که خورشید آشکار گردد.

نماز استسقاء

ابو داوٗدﷺ در سنن خویش از عبدالله بن عباسﷺ روایت کرده است که رسول خداﷺ در استسقاء دو رکعت نماز همچون نماز عید خواندند.

استسقاء همانا طلب کردن بندگان است باران را از خداوند ﷻ در هنگام نیاز

۱ـ نماز گرد آورنده است.

مندی به آب، و ثابت گردیده است که رسول خداﷺ استسقاء (طلب باران) نموده به بارگاه خدای متعال دعاء نمودند.

نماز استسقاء درنزد امام ابوحنیفهؒ با جماعت مسنون نیست.

اما امام ابو یوسف و امام محمد (رحمهماالله) گفته اند: امام به مردم دو رکعت نماز بگزارد، و در آن قرائت را بلند بخواند و دو خطبه نیز بعد از نماز ایراد نماید.

مستحب است که مردم برای استسقاء سه روز پی در پی بسوی مکانی خارج از آبادی بیرون آیند.

و مستحب است که مردم پیاده در جامه های کهنه، یا پیوند خورده، با تذلُّل و خاکساری، فروتنانه و خاشعانه برای خدای متعال، در حالی که سرهای خویش را به پایین افکنده اند به نماز استسقاء بیرون آیند.

برای مردم مستحب است که هرروز قبل از بیرون آمدن برای نماز استسقاء صدقه بدهند.

همچنین برای ایشان مستحب است که روزه بگیرند.

مستحب است که از گناهان خویش بسیار استغفار نمایند.

مستحب است که به همراه خود چهار پایان، و پیرمردان بزرگ سال، وکودکان را بیرون آورند.

امام رو به سوی قبله در حالیکه دستهای خویش را بلند کرده است برای دعاء به ایستد.

و مقتدی ها بر دعاء وی نشسته رو به قبله آمین بگویند.

امام در دعاء خویش چنین بگوید:

﴿اَللّٰهُمَّ اسْقِنَا غَيْثاً مُغِيْثاً نَافِعاً غَيْرَ ضَارٍّ، عَاجِلاً غَيْرَ آجِلٍ، اَللّٰهُمَّ اسْقِ عِبَادَكَ وَ بَهَائِمَكَ وَ انْشُرْ رَحْمَتَكَ وَاحْيِ بَلَدَكَ الْمَيِّتِ، اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ لاَاِلٰهَ اِلاَّ اَنْتَ الْغَنِيُّ وَنَحْنُ الْفُقَرَاءُ، اَنْزِلْ عَلَيْنَاالْغَيْثَ وَاجْعَلْ مَا اَنْزَلْتَ لَنَا قُوَّةً وَ بَلاَغاً اِلٰى حِيْنٍ﴾[1].



۱ـ ای بار خدایا! ما را سیراب گردان با باران بسیار بارنده نفع رسان و غیر زیان آوری، عاجل نه دیر، ای بار خدایا! سیراب گردان بندگانت وا و چهار پایانت را و منتشر گردان رحمت خویش را و زنده گردان سرزمین مردهٔ خویش را، ای بار خدایا! تویی اللّٰه، معبودی جز تو نیست، تو بی نیاز و توانگری و ما فقراء، فرود آور بر ما باران را و بگردان آنچه را که نازل گردانیده‌ای بر ما نیرویی و رساننده‌ای به مطلوب تا مدت زمانی که تو خود می‌خواهی.